



لندن، مراسم یادبودی با شرکت نمایندگان حزب های کمونیست و سفارت خانه های کشورهای سوسیالیستی کوبا،

به مناسبت صدوسی امین سال گشت درگذشت کارل مارکس: میراث علمی مارکس، راهنمای عمل بشریت مترقی است

رفیق هانس مودرو: مضمون این ایدئولوژی [نولیبرالیسم]، بُت سازی مذهب وار و تمام عیار از بازار در مقام تنها ساختار تنظیم کننده همه چیز در زندگی روزمره است.

بنابر رسم هرساله، امسال هم در روز ۲۴ اسفندماه (۱۴ مارس)، سال گشت درگذشت کارل مارکس، به دعوت کتابخانه یادبود مارکس در

ادامه در صفحه ۹



شماره ۹۱۸، ۱۹ فروردین ۱۳۹۲
دوره هشتم، سال بیست و هفتم

در صفحه ۲

مبارزه در راه لغو ستم ملی و منافع اساسی خلق های ایران

بدرود و تسلیت به مناسبت درگذشت احمد صدر حاج سیدجوادی



احمد صدر حاج سیدجوادی، از شخصیت های اجتماعی-سیاسی و رهبران نهضت آزادی و جبهه ملی ایران و اولین وزیر کشور ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷، روز

یکشنبه ۱۱ فروردین ماه درگذشت. احمد صدر حاج سید جوادی، از اعضای شورای انقلاب و وکیلی مبارز بود که در دوران ستم شاهی از جمله کار و کالت آیت الله منتظری را عهده دار بود. احمد صدر حاج سید جوادی تا آخرین روزهای عمر به آرمان های جنبش آزادی خواهی مردم میهن ما وفادار ماند و پس از کودتای انتخاباتی علی خامنه ای و سپاه پاسداران در نامه ای شجاعانه به خامنه ای او را به باد انتقاد گرفت. سید جوادی همچنین در نامه ای در ارزیابی آنچه بر سر انقلاب شکوهمند میهن ما رفت از جمله نوشت: "اگر ما پس از پیروزی انقلاب، همچنان شانه به شانه ایستاده و دست در دست هم، استبداد را نشانه گرفته بودیم و مشکلات را در سقوط شاه خلاصه نمی دیدیم، امکان بازتولید استبداد و فرو افتادن از استبداد سیاسی به استبداد دینی به این سان راحت و کم هزینه صورت نمی پذیرفت."

حزب توده ایران درگذشت احمد صدر حاج سید جوادی را به خانواده و بازماندگان او، به نهضت آزادی و جبهه ملی ایران و همه آزادی خواهان میهن مان تسلیت می گوید.

یادش گرامی باد!

انتخابات ریاست جمهوری: رویکردهای آزموده شده، یا تکیه بر جنبش اجتماعی؟

(رادیکال)، دست یابند. در جریان انتخابات مجلس نهم، شرکت محمد خاتمی در دادن رای، واکنش های متفاوتی را باعث شد که به طور عمده نکوهش او برای شرکت در این رأی گیری بود. سایت "کلمه" در این باره نوشت: "شرکت سید محمد خاتمی در انتخابات مجلس نهم، واکنش های زیادی در میان اقشار مختلف برانگیخت. بعد از انتشار این خبر، پایگاه اطلاع رسانی کلمه نظرات و انتقادات مخاطبان خود را که بیش از سیصد صفحه بود در اختیار رئیس جمهوری سابق قرار داد." محمد خاتمی در قسمتی از پاسخش به این انتقادات، از جمله گفت: "اقدام من از منش و بینش سیاسی و فکری من

ادامه در صفحه ۶

اطلاعه

در روزهای اخیر پایگاه اینترنتی حزب، ای-میل دبیرخانه و عده ای از رفقای رهبری حزب مورد تهاجم "سایبری" "سربازان گمنام امام زمان" قرار گرفته است. در اثر این حملات یکی از سایت های حزب www.tpiran.org فعلا قابل دسترسی نیست و سایت دیگر حزب همچنان هدف تهاجم است. در مورد ای-میل ها، ارتش سایبری رژیم پس از عدم موفقیت در دسترسی به آنها با ارسال صدها ای-میل (اس.پم) به این صندوق ها تلاش کرده است تا دسترسی به آنها را با دشواری رو به رو کند. رفقا هم اکنون در تلاشند تا دسترسی به سایت حزب را دوباره راه اندازی کنند.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ماه سال جاری (۹۲)، زمره هایی درباره نامزد شدن دوباره محمد خاتمی برای تعیین ریاست جمهوری هر روز نسبت به روز پیش بیشتر شنیده می شود. و به نظر می رسد که عده ای به این باورند که مواضع ولی فقیه در این زمینه تغییر یافته است. تصور اینکه رژیم ولایت فقیه داوطلبانه به خواست مردم تمکین کند، یا اینکه ولی فقیه رژیم در انتخابات آینده ریاست جمهوری ناظر بی طرفی باقی بماند، توهمی بیش نیست. اینکه رژیم ولایت فقیه به گرایش های گوناگون سیاسی و فکری و از جمله اصلاح طلبان واقعی، بدون فشارها و اعتراض های شدید اجتماعی اجازه شرکت در انتخابات آینده را بدهد، این هم توهمی بیش نیست. آنچه مسلم است این واقعیت است که رژیم ولایت فقیه مصمم است تا با بکار گیری همه امکانات خود جلوی باز تولید شرایطی را که به پدید آمدن دوم خرداد ۷۶ و خرداد ۸۸ منجر شد را بگیرد. رژیم ولایت فقیه تنها دیکتاتوری ای نیست، نبوده، و نخواهد بود که گزینه تمکین نکردن به خواست مردم را اولویت اصلی سیاست هایش قرار داده است. با اینهمه، مروری بر تاریخ سیاسی کشور خودمان و دیگر کشورها به خوبی نشان می دهد که تصمیم های گرفته شده از سوی حکومت های دیکتاتوری تعیین کننده نیست، بلکه جنبش های اجتماعی توانسته اند، و می توانند، به خواست های شان در قالب اصلاح یا فراهم کردن شرایط تحول های بنیادی

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

مبارزه در راه لغو ستم ملی و منافع اساسی خلق‌های ایران

برای حل صحیح مسئله ملی، آن را باید به‌درستی شناخت. مسئله ملی در میهن ما زاده دوران رشد سرمایه‌داری در نزدیک به یک قرن اخیر و بخشی از سیاست سرمایه‌داری کمپرادور (وابسته) است. پس از شکست انقلاب بهمین و تسلط ارتجاع بر کشور، این سیاست به‌ویژه از سوی سرمایه بزرگ تجاری پس از انقلاب ادامه یافت، و پوششی از قشریت و تاریک اندیشی مذهبی نیز به‌خود گرفت.

تمرکز ضدملی و ضددمکراتیک در دوران رضاخان، که با روح انقلاب مشروطیت و دستاوردهای غرقه به خون این انقلاب در تضاد قرار داشت. مسئله ملی و ستم ملی در کشور ما نتیجه فرایند دوگانه رشد سرمایه داری وابسته (کمپرادور) و نیز نفوذ و رخنه امپریالیسم در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی ایران است. به قول زنده‌یاد علی گلاویز: "این تمرکز دارای ماهیت ضدملی و ضددمکراتیک بود و قوام ملی در ایران که در زمینه این تمرکز انجام گرفت، شدیداً تحت تاثیر ماهیت ضدملی و ضددمکراتیک آن قرار داشت. این تمرکز از سویی ایران را در داخل خود متمرکز می‌نمود، ولی از سوی دیگر این ایران متمرکز را زیر سلطه امپریالیسم جهانی ابتدا به سرکردگی انگلیس و سپس به سرکردگی آمریکا قرارداد... [علی گلاویز، "درباره سیاست ملی حزب توده ایران"، در کتاب: **چهل سال در سنگر مبارزه**، صفحه ۲۳۱]. برپایه چنین دیدگاه علمی و درستی است که باید در خصوص ستم ملی و الغای آن مبارزه کرد. از این واقعیت چه نتیجه‌ی حاصل می‌شود؟ برای پاسخ دقیق به این پرسش، استناد به تجربه‌های تاریخی ضروری است. آنچه در زمینه مسئله ملی و مبارزه برای لغو ستم ملی در حکم تجربه‌هایی مفید و با ارزش پیش روی ما قرار دارد، حکومت‌های ملی و خودمختار آذربایجان و کردستان در برهه‌ی از تاریخ معاصر میهن‌مان است. هردوی این جنبش‌های ملی از چند ویژگی مشترک برخوردار بودند که امروزه برای آرایه به‌منظور حل مسئله ملی، پراهمیت تلقی می‌شوند. جنبش‌های "۲۱ آذر" آذربایجان و "۲ بهمن" کردستان، مبارزه برای لغو ستم ملی و برابری حقوق خلق‌های کشور را در چارچوب پیکار سراسری و جنبش‌های بخش ضد استبدادی و ضد امپریالیستی ارزیابی و معرفی می‌کردند. این دو جنبش ملی و مردمی، حکومت‌های خودمختار در آذربایجان و کردستان را در چارچوب منافع همگانی خلق‌های ایران شکل داده و برای آن مبارزه می‌کردند. در واقع جنبش ۲۱ آذر در آذربایجان و ۲ بهمن در کردستان بخش جدایی‌ناپذیری از نهضت انقلابی و دمکراتیک سراسری ایران بودند. به‌علاوه، هردوی این جنبش‌ها به نیروهای صلح‌دوست و ترقی‌خواه در ایران و جهان تکیه می‌کردند، و دارای برنامه‌ی روشن و خلقی به سود طبقه‌های زحمتکش و محروم جامعه بودند. چنین تجربه‌ی، محک و معیار مناسبی برای پیکار کنونی حزب‌های ملی در راه الغای ستم ملی است. در استناد به تجربه‌های تاریخی نکته پراهمیت این است که، جنبش‌های ملی تنها در پرتو تقویت پیوند خود با مبارزات سراسری قادر به حل مسئله ملی، لغو ستم ملی، و کسب کامیابی خواهند شد.

همچنین به‌جاست که یادآوری کنیم، لنین در اثر خود به نام: "درباره حق ملت‌ها در تعیین سرنوشته خویش"، با دقت علمی ستایش برانگیزی بینش مارکسیستی مسئله ملی، را به دست می‌دهد. او می‌نویسد: "پرولتاریا... در عین حال که برابری حقوق و حق یکسان را در مورد تشکیل دولت ملی قبول دارد، در همان حال اتحاد پرولترهای همه ملل را بالاتر و ارزنده‌تر از همه می‌داند و هرگونه خواست ملی و هرگونه جدایی ملی را از نقطه‌نظر مبارزه طبقاتی کارگران ارزیابی می‌کند... مارکس و انگلس به‌طور کلی به مسأله ملی با نظر کاملاً نادانانه می‌نگریستند و در ارزیابی اهمیت آن شرایط تاریخی را در نظر می‌گرفتند [لنین، **منتخب آثار** (به فارسی)، ص ۲۶۴ و ۲۷۲]. در این زمینه اشاره‌ی گذرا به موضوعی مهم ضروری می‌نماید. هنگام بحث پیرامون لغو ستم ملی و آرایه راه‌کاری صحیح برای تسلوی کامل حقوق خلق‌ها، به پیوند دیالکتیکی شکل و مضمون می‌باید توجه کرد و موضوع را به سطح شکل تنزل نداده و اسیر فرمول‌بندی‌های غیرعلمی نمی‌باید شد. مضمون و شکل در وحدتی دیالکتیکی قرار دارند، و فراموش نباید کرد که در مسئله ملی و لغو ستم ملی اولویت با مضمون است.

مسئله ملی و ستم ملی در میهن ما واقعیتی انکارناپذیر است. از این‌رو، آرایه راه‌حل در خصوص مسئله ملی و برابری حقوق کامل و بی‌خدشه خلق‌های ساکن ایران وظیفه‌ی درنگ‌ناپذیر است. سیاست ارتجاع حاکم در منطقه‌های قومی تاکنون فاجعه‌بار بوده است. در طول ماه‌های اخیر، بازداشت و اعدام گروهی از هم‌میهنان عرب‌مان در استان خوزستان، و همچنین دستگیری‌های

بحث درباره مسئله ملی، و چگونگی برخورد با آن، در چند سال اخیر به یکی از جدی‌ترین موضوع‌های چالش‌برانگیز در میهن ما بدل شده است. رویدادهای پرشتاب بین‌المللی و تحولاتی بغرنج منطقه، در کنار فعل و انفعال‌های صحنه سیاسی کشور، به این موضوع بدهایی تازه داده است. مسئله ملی، و مبارزه برای الغای آن، پدیده‌ی نو در جنبش ضددیکتاتوری و ضد امپریالیستی مردم میهن ما نیست. اما تحولات اخیر در منطقه و جهان نشان می‌دهد که، علاوه بر ارتجاع و امپریالیسم، معدودی از جریان‌های نابالغ و ناسالم سیاسی درصددند از این موضوع به نفع منافع کوتاه‌بینانه خود بهره‌جویند و مسیر مبارزه حق‌طلبانه و مشروع خلق‌های کشور را منحرف کنند. از این‌رو، تأکید دوباره بر مسئله ملی، محتوای آن، و نیز آرایه تصویری از چالش‌ها و راهکارهای حل و لغو ستم ملی، به هدف تقویت پیوند مبارزه ملی با پیکار سراسری ضددیکتاتوری و ضد امپریالیستی، ضروری می‌نماید.

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، و یا به‌عبارت دیگر، گره‌های موجود در بحث مسئله ملی، و چگونگی الغای ستم ملی، درک نادرست و غیرعلمی، و برداشت کلیشه‌ای و الگوسازی مکانیکی در رابطه با این مسئله است. در واقع، در خصوص مسئله ملی و ویژگی‌ها و مختصه‌های آن در میهن ما، نوعی الگوسازی را شاهدیم که جریان‌ها و نیروهای معینی را به تعمیم‌های مصنوعی و قالب‌سازی‌های ذهنی کشانده است. از سویی دسته‌ی از جریان‌ها با انکار مسئله ملی، حقوق و منافع خلق‌های ساکن کشور و محرومیت دردناک آن‌ها را نادیده می‌گیرند و لزوم پیوند مبارزه ملی و سراسری را کم اهمیت می‌دانند، و از دیگر سو دسته‌ی دیگر بدون شناخت لازم از بافت اجتماعی-تاریخی، مختصه‌های ملی، و ریشه‌های تاریخی کشور، و در عین حال به‌دور از درکی خلاق و دیالکتیکی، مسئله ملی در ایران را در قالب‌های ذهنی و انتزاعی‌ای که کم‌ترین پیوندی با واقعیت‌های مسلم علمی، تاریخی، و اجتماعی ندارند، طرح و معرفی می‌کنند.

باید تأکید کرد که، مسئله ملی در کشور ما دارای برخی تفاوت‌ها با دیگر کشورها است. به‌علاوه، هنگام طرح مسئله ملی و آرایه راهکار برای حل آن به‌سود برابری کامل خلق‌ها، ما با قالبی ابدی و ازلی از پیش آماده‌ی سروکار نداریم. مسئله ملی در همه دوران‌ها و مرحله‌ها دارای محتوایی یکسان و تغییرناپذیر نیست. لنین با دقت تمام یادآوری کرده است که، مسئله ملی به ویژگی‌های دوران معین تاریخی و اوضاع خاص و مرحله مشخص تکامل اجتماعی هر ملت بستگی دارد. به‌عبارت دقیق‌تر، به مسئله ملی باید برخورد تاریخی مشخصی داشت، به‌این معنا که، برای حل صحیح آن ضروری است تکامل جامعه را در مرحله‌های گوناگون، ویژگی و مشخصه‌های تاریخی-اجتماعی هر کشور معین، تناسب نیروهای طبقاتی در صحنه جهان و در درون هر کشور، و مهم‌تر از همه، توان و ظرفیت مبارزه توده‌های زحمتکش ملت‌های مختلف، سطح آگاهی، سازمان‌یافتگی، و تشکل آن‌ها را به‌طور دقیق محاسبه کرد و مد نظر قرارداد. بنابراین، مسئله ملی ضمن آنکه برخلاف برداشت برخی نیروها واقعیتی کنمان‌ناپذیر در ایران محسوب می‌شود، در عین حال می‌بختی بغرنج و حساسیت‌برانگیز است که حد اعلای برخورد مسئولانه و انقلابی را می‌طلبد. از این‌رو، باید با صراحت خاطر نشان ساخت که، سیاست و عملکرد برخی جریان‌های نوظهور زیر پوشش نام‌های پرطمطراق، و به‌نام دفاع از حقوق این یا آن خلق، به ویژه در ماه‌های اخیر، نه‌پذیرفتنی و در جهت خلاف منافع اساسی خلق‌های میهن ما است. صدور فراخوان‌های تحریک‌آمیز و پیروی مستقیم و غیرمستقیم از سیاست‌های قدرت‌های مداخله‌جوی خارجی، نمی‌تواند مبارزه در راه لغو ستم ملی و حرکت به‌سمت تأمین برابری کامل حقوق خلق‌های ایران ارزیابی شود. اصولاً مبارزه با ستم ملی با چنین اقدام‌های مقطعی تحریک‌آمیز و تفرقه‌افکنانه‌ی مرزبندی‌بنیادین و ماهوی دارد.

عملکرد این دسته از جریان‌ها، در راستای آماج‌ها و نقشه‌های شوم ارتجاع حاکم، دشمنان شناخته‌شده آزادی و سربلندی میهن، و نیز در خدمت شعله‌ور ساختن آتش خصومت و تفرقه و جدایی ملی است!

تیره روزی دهقانان زحمتکش و انحطاط کشاورزی

اعتراض صدها تن از کشاورزان منطقه ورزنه استان اصفهان در هفته های پایانی سال گذشته، بازتاب گسترده ای در رسانه های همگانی داشت و باردیگر موضوع زندگی میلیون ها روستائین و وضعیت بخش کشاورزی را در صدر خبرها قرار داد.

در اوایل اسفندماه سال ۹۱، کشاورزان منطقه ورزنه که همچون بسیاری از دهقانان سراسر کشور با معضله ها و مشکل های بی شماری در کار و زندگی مواجه اند، در اعتراض به مسدود شدن حق آبه کشت زمین هایشان، دست به اعتراض زدند و پس از ادامه بی توجهی مسئولان به اعتراض شان، لوله های انتقال آب به سمت استان یزد و تاسیسات آن را تخریب کردند، و رسیدگی به وضعیت خود را خواستار شدند. این کشاورزان جان به لب رسیده، سپس در مقابل هجوم گرگان مسلح سپاه و نیروی انتظامی نیز مقاومت کردند و با آنان به زدوخورد پرداختند. چگونگی برخورد دهقانان با مسئله حق آبه برای کشت بهاره و مقاومت یکپارچه آنان در برابر واحدهای مسلح، درجه ناراضی تری و ژرفای رویارویی منافع آنان با سیاست های اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه را به خوبی آشکار می سازد. بی جهت نبود که برخلاف سپاه پاسداران که کشاورزان اعتراض کننده شرق اصفهان را "عده ای از افراد سودجو و فریب خورده" خواند، استانداری اصفهان - در هراس از گسترش دامنه اعتراض ها به دیگر منطقه ها - اعلام کرد که، در هماهنگی با بانک ها و وزارت جهاد کشاورزی برای اختصاص آب برای کشت بهاره با کشاورزان به توافق رسیده و قرارداد شده است که "وام های کشاورزان تا سقف ۱۰ میلیون تومان استمهال (افزایش مهلت بازپرداخت وام) شود".

آنچه در منطقه شرق اصفهان رخ داد از جنبه هایی وضعیت موجود بخش کشاورزی رویه انحطاط کشور و زندگی دشوار دهقانان زحمتکش را بازتابید. همزمان با اعتراض های کشاورزان در ورزنه اصفهان، روزنامه بهار، ۶ اسفندماه ۹۱، در گزارشی از وضعیت بخش کشاورزی و تولیدات آن، نوشت: "کشاورزی زمین گیر شد... نگاهی به سیاست گذاری های صورت گرفته در این بخش اما نشان می دهد که یکی از مهم ترین بخش های اقتصادی کشور (بخش تولید کشاورزی) فاقد برنامه جامع و بلندمدت برای توسعه است و کشاورزان را دیگر توان راست کردن قامت خمیده نمانده و سنگینی واردات بی رویه محصولات کشاورزی قامت آن ها را هر روز خمیده تر از دیروز می کند. سیاست های دولت در چندسال اخیر حاصلی نداشت جز افزایش بی رویه واردات محصولات کشاورزی ایران، اتفاقی که پیامدهای زیانبار آن تضعیف اقتصاد کشاورزی و ضربه زدن به منافع کشاورزی ایرانی، نمونه ای از سیاست های نادرستی است که نمی توان نسبت به آن بی اعتنا بود".

واردات سیل آسای محصولات کشاورزی، تقریباً همه محصولات کشاورزی ای که مشابه شان با رنج دهقانان ایرانی به دست می آید، دربر می گیرد. بنابر آخرین گزارش منتشر شده از سوی خبرگزاری مهر، ۱۵ اسفند ماه ۹۱، "واردات برنج در ۱۱ ماهه سال ۱۳۹۱ از مرز ۱/۱ میلیارد دلار گذشت." این واردات عظیم و پر حجم، فقر و تیره روزی دهقانان ایرانی را سبب شده، و هیچ یک از نهادها و اداره های حکومتی نیز در قبال زندگی زحمتکش روستا پاسخگو و مسئول نیستند.

خبرگزاری کار ایران [اینا]، ۲۵ بهمن ماه ۹۱، در گزارشی باصراحت تمام اعلام داشت: "کشوری که در گذشته جشن خودکفایی گندم را برگزار کرده بود، مجبور به واردات گندم شد که قابل پیگیری است... درسال... (۱۳۹۱) به دلیل نبود حمایت از بخش کشاورزی، این بخش دچار خسارت شدید شد که کاهش ۲۰ درصدی اراضی، زیرکشت، افت ۱۵ درصدی محصول، و افزایش ۳۰ درصدی قیمت تمام شده محصولات، فضای دلسردی کشاورزان در ادامه تولید را به همراه داشته است."

در حالی که تاجران عمده، بنیادهای انگلی، و شرکت های نیمه دولتی وابسته به آقازاده ها، با اتکا به تسهیلات بانکی به وارد کردن انواع محصولات کشاورزی مشغولند، دهقانان کشور توانایی فروش عادلانه محصولات خود را ندارند، و در چنگال واسطه ها و دلال های عمده مرتبط با حکومت گرفتارند. خبرگزاری کشاورزی ایران [اینا]، ۲۰ اسفندماه ۹۱، در گزارشی، از ناراضی تری دهقانان خرده پا از اوضاع موجود و عدم توانایی آنان در فروش محصولات شان، ضمن تاکید بر حضور سنگین دلال ها و قبضه بازار به وسیله محصولات

خارجی، از جمله نوشت: "یکی از مشکلاتی که در بازار نهاده ها و محصولات کشاورزی وجود دارد، نبود فناوری های نوین تجاری و معامله آن به شکل سنتی است... به دلیل خرده پا بودن کشاورزان و نبود حلقه های واسطه (تعوانی ها یا فن آوری نوین) امکان حضور کشاورزان (و دهقانان خرده پا) فراهم نیست." از سوی دیگر ایلنا، ۱۸ بهمن ماه ۹۱، گزارش داده بود: "رییس اتحادیه میوه و تره بار خواستار هدایت یارانه ها به سمت روستاها و کمک به هزینه زیرساخت های کشاورزی شد... او اظهار داشت باید با هدایت یارانه ها به سمت روستاها، آن هم نه به صورت کمک های نقدی بلکه با کمک به هزینه زیرساخت های کشاورزی و رایگان کردن بیمه کشاورزان، تولید ملی را تقویت و اشتغال زایی کنیم... (برای عید) انبارها مملو از سبب درختی و پرتقال است و هیچ گونه کمبودی از این لحاظ وجود ندارد و واردات به هیچ عنوان به صلاح کشور نیست... واردات میوه برای کشاورزان سم خواهد بود و جز تضعیف آنان سودی ندارد."

علاوه بر این ها، یکی از موضوع های بسیار جدی در روستاهای کشور و در واقع یکی از خواست های بنیادین دهقانان تهیدست میهن مان حل مسئله زمین به سود دهقانان کم زمین و بی زمین است. در ماه های پایانی سال ۹۱، و در لابه لای خبرهای روزهای آغازین سال نو ۱۳۹۲، زمین خواری و چگونگی مقابله با آن به موضوعی مهم به ویژه در بخش کشاورزی تبدیل گردید. خبرگزاری مهر، ۱۴ اسفندماه ۹۱، زیر عنوان: "شناسایی ۳۰۰ هزار هکتار جدید برای توسعه اراضی کشاورزی"، نوشت: "رییس سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور از شناسایی ۳۰۰ هزار هکتار جدید از عرصه های منابع طبیعی برای تامین نیاز ۲ میلیون هکتاری طرح توسعه کشاورزی خبر داد... این طرح ها با اعتباری بالغ بر ۲۸۰ میلیارد ریال اجرایی شده اند... استان خراسان رضوی با اجرای ۳۱ پروژه بیشترین سهم را در اجرای این طرح ها داشته است." در ادامه این گزارش، با اعتراف ضمنی به نقش استان قدس رضوی در تملک زمین های مرغوب و سپس تغییر کاربری برخی از آن ها برای ساختمان سازی، افزود: "مجموعاً ۱۷۰ هزار هکتار از اراضی و منابع ملی از متصرفین خلعید شده و بعد از طی مراحل حقوقی به دولت بازگردانده شده است. در بخش دیگر نیز ۸۴ هزار هکتار از تصرفات را به عنوان جرایم مشهود به صورت فوری دخل و تصرف کرده ایم."

چنین آماری ابعاد شگفت انگیز زمین خواری و تصرف اراضی مرغوب کشاورزی و سپس تغییر کاربری آن ها به وسیله زمین خواران وابسته به بنیادهای انگلی را به خوبی نشان می دهد. در این زمینه توجه به آمار تکان دهنده معاون وزیر کشاورزی پُر اهمیت است. روزنامه بهار، ۱۵ اسفندماه ۹۱، گزارش داد: "زمین خواری ۳ هزار هکتاری در ۱۷ استان. معاون وزیر کشاورزی از پرونده زمین خواری در استان های مختلف... خبر داد. علیرضا اورنگی در نشست خبری هفته منابع طبیعی... گفت، درباره مساحت زمین هایی که در پرونده زمین خواری آنها در حال پیگیری است می توان به زمین هایی در استان چهارمحال و بختیاری با ۱۴۰۰ هکتار، ۱۱۰ هکتار در استان تهران، ۱۱۷ هکتار در گیلان و ۸۴ هکتار در خراسان شمالی اشاره کرد... پرونده های ۹۰۰ هکتار در قم به ارزش ۴۳۰ میلیارد، ۱۴۴ هکتار در استان کرمان به ارزش ۵۰۰ میلیارد و ۱۴۰ هکتار در استان بوشهر به ارزش ۱۲۳ میلیارد [اشاره کرد]." تمامی این زمین ها جزو اراضی مزروعی کشورند. زمین خواران حتی با نفوذی که در حاکمیت دارند، از طریق طرح های دولتی زمین های مرغوب و قابل کشت را تصرف می کنند و فقر و مهاجرت دهقانان را سبب می شوند. نمونه این امر، زمین خواری در قالب طرح واگذاری زمین به دهقانان و فارغ التحصیلان جویای کار کشاورزی در شهرستان میانه واقع در آذربایجان شرقی است. ایلنا، اوایل سال ۹۱، در گزارشی از شناسایی روستاییان بیکار برای اشتغال آنان از طریق واگذاری زمین از جمله نوشته بود: "شناسایی اراضی ملی و دولتی در حداقل زمان ممکن؛ شناسایی فارغ التحصیلان جویای شغلی؛ [به] افراد کم زمین و افرادی که در روستاها ساکن بوده و کار و شغلی نداشته و واجد شرایط هستند زمین واگذار می شود." پس از مدتی در قالب این طرح، شرکت های بنیاد مستضعفان، استان قدس رضوی، و دیگر بنیادهای انگلی، بخش های وسیعی از مراتع و اراضی ملی را تصاحب کردند. ایلنا نوشته بود که، مراحل قانونی را برخی افراد حقیقی و حقوقی طی نکرده و زمین هایی که در واگذاری آنها مشکل وجود داشت، به دواپری خاص و افرادی با نفوذ واگذار کردند. مطابق آمار در استان کردستان نیز مشابه همین وضع اتفاق افتاده و در قالب "طرح توسعه مهر کشاورزی" صدها هکتار از مراتع و



کارگر، وظیفه‌های سندیکاهای مستقل و کارگران آگاه و پیشرو تلاش در جهت هماهنگی و سازمان دهی اعتراض‌های پراکنده، و تقویت صف‌های جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان است.

واردات بی رویه، و ورشکستگی تولیدکنندگان داخلی: سالی که نکوست از بهارش پیداست!

تازه‌ترین آمارهای گمرک جمهوری اسلامی حاکی از تداوم واردات سیل‌آسا به داخل کشور است. در هفته‌های پایانی سال گذشته، رسانه‌های همگانی گزارش دادند که، با وجود تحریم‌های مختلف مالی و تجاری، واردات بی‌رویه انواع کالاها به‌ویژه کالاهای لوکس و مصرفی، همچنان ادامه‌دار.

خبرگزاری مهر، ۱۵ اسفندماه ۹۱، اعلام کرد: "گمرک ایران از واردات ۳۸ هزار و ۳۹۹ دستگاه خودرو به کشور خبر داد... طبق آمار مقدماتی ۲۲ ماهه سال (۱۳۹۱) میانگین قیمت هر خودروی سواری وارداتی طی یازده ماهه سال ۹۱ مبلغ ۲۴ هزار و ۲۶۷ دلار بوده است که نسبت به سال گذشته با افزایش ۳۹ / ۱۶ درصدی مواجه بوده و امارات متحده عربی، کره جنوبی و کویت ۳ کشوری بود که بیشترین حجم خودرو از آن وارد کشور شد." اغلب این خودروها، اتومبیل‌های لوکس آمریکایی - اروپایی‌اند که به‌وسیله نوکیسه‌های رژیم وارد کشور می‌شوند. آمار مربوط به واردات کالاهای لوکس و مصرفی تنها به خودروهای آخرین مدل آمریکایی و اروپایی محدود نمی‌شود. بنابر آمار گمرک در یازده ماهه سال ۱۳۹۱، بازار کشور از انواع پوشاک بَنجَل ترکیه، چین و نیز سیل گوشی‌های تلفن همراه از کشورهای "اتحادیه اروپا" مملو بوده است. خبرگزاری مهر، ۱۵ اسفندماه ۹۱، نوشته بود: "گمرک ایران با اعلام تازه‌ترین آمار واردات برنج، پوشاک و گوشی تلفن همراه در ۱۱ ماهه اول سال... (۱۳۹۱) به کشور اعلام کرد واردات برنج در این مدت از مرز ۱/۱ میلیارد دلار گذشت. ... حدود ۱۶۲۷ تن انواع پوشاک به ارزش ۱۷ میلیون و ۵۸۶ هزار دلار وارد کشور شده است... همچنین ۷۰۴ تن گوشی تلفن همراه به ارزش ۱۴۸ میلیون دلار وارد کشور شده است. این میزان در مدت مشابه سال گذشته ۴۶۵ تن به ارزش بیش از ۷۳ میلیون دلار بوده است."

به‌علاوه، رسانه‌های همگانی در روزهای پایانی سال ۹۱ نوشتند که، جمهوری اسلامی برای بار دوم از آمریکا گندم خرید. ایسنا، ۲۸ اسفندماه، گزارش داد: "وزارت کشاورزی آمریکا اعلام کرد ایران دومین مرتبه در ماه جاری میلادی از این کشور، گندم خریداری کرده است... این محموله ۶۰ هزار تن بوده است." همچنین باید به واردات بیش از ۱۲۰ هزار تن گندم از آلمان و استرالیا، و آزادسازی واردات گوشت از ایرلند نیز اشاره کرد.

واردات آدامس، خودروهای لوکس، وسایل آرایشی، مبلمان، کاشی‌های تزئینی، درکنار قلم‌هایی همچون محصولات کشاورزی، پوشاک، سرامیک، و لوازم آشپزی، نه تنها در سایه تحریم‌ها گسترش یافته، بلکه نابودی تولید داخلی و ورشکستگی صنعتگران کشور را هم باعث شده است. برای نمونه، صنایع نساجی و مبلمان کشور در وضعیت ناگوار قرار دارند و در آستانه تعطیلی‌اند. کارخانه‌های بزرگ و کارگاه‌های مختلف صنایع نساجی در حال رکود به‌سر می‌برند و سیستم بانکی حاضر به حمایت از تولیدکنندگان نیست، ولی در همان حال، میلیاردها تومان انواع پوشاک به‌وسیله تاجران عمده و شرکت‌های وابسته به بنیادهای انگلی و سپاه با حمایت مستقیم سیستم بانکی و اختصاص میلیون‌ها تومان تسهیلات و وام بانکی، به داخل کشور سرازیر می‌شود.

واردات سیل‌آسا و بنیان‌کن، عامل تخریب، ناتوانی، و ضعیف شدن بنیه تولیدی - صنعتی‌اند، و امنیت شغلی میلیون‌ها کارگر و شاغل را نابود می‌سازند. مصرف کردن میلیاردها دلار از درآمد ارزی، آن هم در شرایط فشار تحریم‌های امپریالیستی، جز خدمت به منافع سرمایه بزرگ تجاری و لایه‌های متمول و رانت‌خوار مورد پشتیبانی رژیم ولایت‌فقیه معنایی ندارد. واردات به زیان تولید ملی، منافع زحمتکشان، و اقتصاد ملی است!

وضعیت ناگوار معیشتی بازنشستگان

سال جدید برای میلیون‌ها تن از بازنشستگان میهن ما با دلهره و نگرانی آغاز شد. دولت



مخالفت یکپارچه تشکل‌ها و سندیکاهای مستقل، با مصوبه "تعیین حداقل دستمزد"

اعتراض‌ها و مخالفت‌های کارگری با مصوبه "شورای عالی کار" در خصوص "تعیین حداقل دستمزدها"، همچنان ادامه دارد. موضوع دستمزدها یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین مسئله‌های کارگران و زحمتکشان میهن ما است، و از این روی، اوج‌گیری جنبش اعتراضی پیرامون خواست افزایش دستمزدها برای سال کنونی را شاهدیم. آنچه در این اعتراض‌های هنوز پراکنده شایسته دقت و توجه است، نقش سندیکاهای کارگری مستقل است. پس از اعلام رسمی میزان حداقل دستمزدها در سطح ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان، سندیکای کارگران شرکت واحد، ۲۳ اسفندماه ۹۱، با انتشار اطلاعیه‌ی، اعلام داشت: "سندیکای کارگران شرکت واحد به‌عنوان یک نهاد مستقل مردمی - کارگری با تحمل همه آزارها و اذیت‌ها... همچنان تلاش می‌کند از حقوق کارگری دفاع کند و در این راستا اعتراض شدید خود را علیه پایین بودن حداقل دستمزد سال ۱۳۹۲ اعلام می‌دارد و این عمل را توهین و تحقیر به طبقه کارگر می‌داند. سندیکای کارگران شرکت واحد می‌خواهد و مسئولان وظیفه دارند شکاف گسترده حداقل دستمزد و هزینه و مخارج زندگی یک خانوار ۴ نفره کارگری را تامین نمایند. در این راستا کارگران با امید به نیروی خویش حق پی‌گیری و اعتراض را برای خود محفوظ می‌دارند."

علاوه بر این، سندیکای کارگران "فلزکار مکانیک" نیز در اطلاعیه‌ی با عنوان: "نان فرزندان مان بازیچه دست عده‌ای سودجو شده است"، در مخالفت با مصوبه "شورای عالی کار"، اعلام داشت: "این افزایش حقوق از طرف شورای عالی کار، بی‌اعتنایی به خواسته‌های... کارگری و خانواده‌های شریف زحمتکشان است. به مسخره گرفتن خواسته‌های طبقه کارگر در حالی صورت می‌گیرد که بیش از ۳۰ هزار امضای اعتراضی به وضعیت معیشتی خانواده‌های کارگری و مشکلات زحمتکشان به مجلس و وزارت کار برده شده است. ۲ هزار امضای اعتراضی در هفته قبل از طرف سندیکای کارگران شرکت واحد به وزارت کار داده شد. ..."

از دیگر نکته‌های مهم در اعتراض‌ها به "تعیین حداقل دستمزد" سال ۹۲، اختلاف جدی میان گردانندگان تشکل‌های زرد و ارتجاعی در خدمت رژیم با بدنه برخی از این تشکل‌هاست. بدنه کارگری این قبیل تشکل‌ها، همراهی و حمایت خود را به صورت تلویحی از سندیکاهای مستقل به شکل‌های مختلف نشان داده و می‌دهند.

با درپیش بودن مراسم اول ماه مه، روز جهانی

ادامه رویدادهای ایران ...

ضد ملی احمدی نژاد با درپیش گرفتن سیاست‌های ضد مردمی اقتصادی - اجتماعی، پرداخت حقوق و عیدی آنان را با تاخیر و دربرخی موارد کم‌تر از میزان تعیین شده انجام داد. وضعیت بازنشستگان و مستمری‌بگیران "سازمان تامین اجتماعی" بیش از دیگران اسف بار است. ایلنا، ۱۷ اسفندماه ۹۱، در گزارشی خاطر نشان ساخته بود: "معاون اداری و مالی سازمان تامین اجتماعی درحالی (۱۵ اسفندماه) از پرداخت مبلغ ۲۰۰۰ میلیارد تومان بابت عیدی بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی به بانک خبرداد که طبق محاسبه... رقمی نزدیک به ۷۰۰ میلیارد تومان برای پرداخت عیدی تمامی بازنشستگان مورد نیاز است... با توجه به اینکه حدود ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بازنشسته و مستمری‌بگیر سازمان تامین اجتماعی در کشور وجود دارد و به هر نفر بطور ثابت حداکثر مبلغ ۴۲۰ هزار و ۵۰۰ تومان عیدی پرداخت می‌شود رقم مورد نیاز اندکی کمتر از ۷۰۰ میلیارد تومان خواهد بود. با محاسبه‌ی سرانگشتی مشخص می‌شود که فاصله فاحش ۱۳۰۰ میلیارد تومانی میان رقم مورد نیاز برای پرداخت عیدی و مبلغ اختصاص داده شده برای این موضوع وجود دارد. ... " بازنشستگان تامین اجتماعی از زمره آن دسته از بازنشستگانند که عیدی و حقوق آنان نه به‌موقع پرداخت گردیده است و نه کامل! در همین حال، در آستانه تحویل سال نو، ایلنا گزارش داد: "حقوق و عیدی بازنشستگان ۱۷ استان کشور پرداخت نشده است. سخنگوی هیات ریسه مجلس درحاشیه سخن علنی امروز (۲۹ اسفندماه ۹۱) مجلس شورای اسلامی باحضور در جمع خبرنگاران گفت، در ۱۷ استان کشور بازنشستگان هنوز نتوانسته‌اند حقوق و عیدی خود را دریافت کنند... دولت می‌بایست همانگونه که بارانها را یک شبه به حساب سرپرستان خانوار واریز می‌کند، حقوق بازنشستگان و عیدی آن‌ها را نیز به‌صورت هماهنگ در سراسر کشور واریز کند تا شائبه‌هایی برای مردم ایجاد نشود."

لازم به یادآوری است که، درسال گذشته عیدی و حقوق بازنشستگان، اعم از تامین اجتماعی و کشوری، نه تنها با تاخیر بلکه مرحله به مرحله به آنان پرداخت گردید. روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۹ اسفندماه ۹۱، گزارش داد: "مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری، از پرداخت مرحله چهارم مطالبات بازنشستگان خبرداد... او گفت مبلغ ۲۰۰ هزارتومان به حساب بانکی ۷۳۰ هزار بازنشسته مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری واریز می‌شود... تاکنون پاپرداخت‌های صورت‌گرفته، مطالبات بیش از یکصد هزار بازنشسته کاملاً تسویه شده‌است و بپرداخت این مرحله (و مراحل دیگر پس از نوروز) مطالبات تعداد دیگری از بازنشستگان به‌طور کامل تسویه می‌شود."

این وضعیت درحالی‌است که گرانی و افزایش قیمت‌ها درآستانه نوروز حتی برای آنانی که دستمزد و درآمد خود را به‌موقع دریافت کرده‌اند، تهیه نیازمندی‌های نوروزی و خورد و خوراک معمولی را دشوارتر از پیش ساخته است. زندگی میلیون‌ها بازنشسته که آفرینندگان ثروت‌های ملی طی سالیان دراز اشتغال خود بوده‌اند، گویای سرنوشت انسان‌های زحمتکش و متعهدی است که زیرسایه رژیم ولایت‌فقیه در فقر به‌سر می‌برند. ایلنا، اواخر اسفندماه ۹۱، با انتشار گزارشی از وضعیت معیشت بازنشستگان ازجمله نوشته بود: "دریک‌سال گذشته تحمل شرایط بد معیشتی برای مجموعه بیمه‌شدگان تامین اجتماعی بویژه بازنشستگان و کارگران به حدی بود که به‌لحاظ معیشتی این جامعه بزرگ با مشکلات غیرقابل تحملی روبرو شدند که حتی دربرخی موارد دیده می‌شود که امید به زندگی خود را از دست داده‌اند."

چنین است سرنوشت میلیون‌ها زن و مرد که با کار پرثمر خود، سازندگان دیروز و امروز جامعه بوده‌اند!

ادامه انتخابات ریاست جمهوری ...

همچنان پویا، سرزنده، و پرتوان است. شاهد این مدعا بازداشت اخیر روزنامه‌نگاران است که طی چندین یورش ده‌ها نفر دستگیر و روانه زندان شدند. اینکه چهار سال بعد از خیزش مردم در خرداد ۸۸ برضد تقلب انتخاباتی هنوز هم شاهد دستگیری فعالان مدنی و سیاسی و فشارهای گوناگون بر آنانیم را نباید نشانه اقتدار حاکمیت ارزیابی کرد. همین رویدادهای تلخ، درماندگی رژیم در رویارویی با جنبش مردمی را نشان می‌دهد. سرکوب‌های شدید آخرین گزینه حکومت‌های دیکتاتوری پیش از تسلیم شدن به مردم است. با توجه به واقعیت‌ها، ما معتقدیم که، جنبش مردمی و یا هر کاندیدایی که دغدغه "مخاطرات و تهدیدها" را دارد، با تکیه به نیروی مردم، به‌جای تمکین به ولی فقیه و کسب اجازه از او برای کاندیدا شدن می‌تواند مطالبات مردمی را به حاکمیت تحمیل کند. صرف‌نظر از وارد شدن یا نشدن محمد خاتمی به انتخابات، موضوع مهم دیگری که در اینجا باید مورد بررسی قرار بگیرد این است که، رویکردها به انتخاب رئیس جمهوری، به نظر می‌رسد با دوره‌های پیشین فرق دارد. صفار هرنندی، در اظهاراتی که سایت مشرق، ۱ فروردین‌ماه، آن را انتشار داده است، در این باره می‌گوید: "من در بحث درباره انتخابات سلیقه خاصی دارم و معتقدم که ما برای اولین بار باید این سوال را طرح بکنیم که پیروزی گزینه مورد نظر ما در انتخابات مهم است یا موفقیت ما پس از پیروز شدن در اداره کشور؟ به نظر من باید مسئله دوم برای ما اصالت داشته باشد، ما نباید تمام ظرفیت خود را فقط روی پیروز شدن در انتخابات متمرکز کنیم و بعد تکلیف‌مان روشن نباشد." او در ارتباط با جریان اصلاح طلبی، می‌گوید: "مادامی که جریان اصلاح طلب نگاهی به جریان ساختار شکن تجدید نظر طلب نسبت به نظام داشته باشد و برای تقویت بنیه خود به ظرفیت‌های بیرونی نظام امید ببندد، اتفاق خوبی برای جبهه اصلاحات نمی‌افتد." محمدرضا باهنر هم که اخیراً خود را کاندیدا کرده است، در سخنانی مشابه، در بررسی عملکرد دولت احمدی نژاد و نکته‌های مثبت و منفی آن، می‌گوید: "مناسفانه ما احساس می‌کردیم و الان هم اعتقاد داریم که ریاست دولت خیلی اعتقادی به خرد جمعی ندارد. در حالی که پیشبرد و پیشرفت کشور در گرو کار جمعی و عقلانی است" (سایت مشرق، ۲ فروردین‌ماه). حبیب‌الله عسگرآولادی، در مورد تعامل "جبهه پیروان... با کاندیداهای دیگر، و بویژه ائتلاف ۲+۱، گفت: "...آقای قالیباف هم که قبلاً برای جلسه ای هماهنگ کرده بودیم به دیدن من آمد و حدود یکساعت صحبت کردیم، وی به من گفت که ما با علما و حضرات آیات مهدوی کنی و یزدی صحبت کردیم که آیات‌الله مهدوی گفت با عسگرآولادی صحبت کنید و الان می‌پرسم که نظر شما چیست؟ گفتم عجله کردید، گفت فردی را معرفی کنید، گفتم نه پیش‌داوری می‌شود، اما برای تیم باید حداقل هشت و حداکثر ۱۲ نفر باشد، نه سه نفر، در این راستا هر چه اصرار کرد که حداقل خصوصیات افراد را بیان کنم، بنده گفتم اجازه ندارم و باز هم به وی تاکید کردم که باید با تیم حرکت کنند" (خبرگزاری فارس، ۵ فروردین‌ماه).

آن چیزی که از لابه‌لای سخنان آورده شده در بالا می‌شود استنتاج کرد این است که، رژیم مصمم است تا اجازه ندهد اصلاح طلبان واقعی و آن چهره‌هایی که حاضر به دفاع از مطالبات مردم‌اند، حضور و نقش فعالی را در انتخابات پیش رو داشته باشند.

موضوع دیگر این است که، حاکمیت با بررسی رویکردهای جدید، در صدد است پیشاپیش تقسیم پست‌های حکومتی بین کاندیداهای ریاست جمهوری - به‌خصوص پست‌های وزارت - را به مرحله اجرا درآورد. اینکه این رویکرد در مرحله عمل مورد توافق جناح‌های حکومتی قرار بگیرد یا نه را باید منتظر ماند تا در طول چند هفته آینده، و با روشن شدن صف‌بندی‌ها، آن را دریافت. با توجه به وضعیت خظیر میهن‌مان و "مخاطرات و تهدیدهای درونی و بیرونی" ای که در برابر آن قد علم کرده‌اند، با تکیه بر جنبش اجتماعی می‌توان در جهت خروج از این بن‌بست گام‌هایی برداشت. چنانچه عزمی جدی وجود داشته باشد، می‌توان صحنه انتخابات پیش روی را به بسیج توده‌ها برای به‌وجود آوردن زمینه تحول‌های بنیادین به نفع مردم تبدیل کرد. مطالبات مردمی از طریق سازش و چانه زنی با حاکمیت در بالا و پشت پرده، همچنان که بارها اعلام کرده ایم، تحقق‌پذیر نخواهد شد. رژیم ولایت فقیه سد اساسی در برابر تغییرهای بنیادین در جامعه است. تغییرهای بنیادین، دموکراتیک و پایدار در چارچوب رژیم ولایت فقیه امکان‌پذیر نیست.



ادامه انتخابات ریاست جمهوری ...

و آن چه به آن باور دارم و پای بندم ریشه می گیرد. من از موضع اصلاحات در جهت نگاه داشت روزنه های اصلاح طلبی که آن را مهم ترین و بلکه تنها راه سربلندی کشور و دستیابی به آرمان های اصیل انقلاب و تامین حقوق مردم و مصالح ملت می دانم و نیز برای دفع مخاطرات و تهدیدهای درونی و بیرونی اقدام کرده ام. هدف ممکن و مطلوب، بازگرداندن امور به موقعیتی است که در آن مصلحت کشور و خواست اساسی و تاریخی مردم اصل قرار گیرد. از هنگام رأی دادن محمد خاتمی در انتخابات مجلس نهم تاکنون، بیش از یک سال می گذرد و "مخاطرات و تهدیدهای درونی و بیرونی" میهن ما را بیش از هر زمان دیگری به سوی ورطه سقوط و نیستی پیش می راند. از یک طرف ورشکستگی سیاسی و بحران اقتصادی ناشی از تحریم های دولت های امپریالیستی و سیاست های اقتصادی به غایت ضد مردمی رژیم، به همراه فساد عظیم و گسترده در همه رده های حکومتی، زندگی میلیون ها نفر از زحمتکشان میهن مان را بازپچه آینده یی نامعلوم می سازد، و از طرف دیگر، در این موقعیت سرنوشت ساز، مجموعه نیروهای جنایتکار، تجزیه طلب، و وابسته به ارتجاع منطقه و دیگر دولت های امپریالیستی، مترصدند تا با سوء استفاده از وضعیت بسیار نگران کننده کنونی، هدف های پلیدشان را بر ضد میهن مان و مردم زحمتکش آن به مرحله اجرا در آورند. محمد خاتمی به هنگامی که وزیر ارشاد بود، در سخنانی که روزنامه اطلاعات ۱۸ بهمن ۶۹ آن را منتشر کرد، اظهار داشت: "ما اگر می خواهیم اسلام رایج شود، فقط نمی توانیم بگوییم دیگرانی که ما نمی پسندیم، هیچی نگویند و هیچ کاری نکنند. بلکه ما باید کاری کنیم که حرف برتر را داشته باشیم و بزنیم. دنیا دنیای رقابت و مسابقه است. شما نمی توانید بگویید هیچکس در این میدان نباشد و من تنهایی بدوم و اول شوم." محمد خاتمی در قسمت دیگری از سخنانش گفت: "البته ما محدودی داریم که به شدت به آنها پای بندیم. انقلاب ما اسلامی است و مبنای نظام ما اسلام است. هر چیز که اسلام را به خطر اندازد ممنوع است." با اینکه بیش از بیست سال از این گفته ها می گذرد، هنوز هم بخش دوم سخنان او بر تفکر فعالان سیاسی درون حاکمیت و از جمله اصلاح طلبان، حاکم است. بر چنین بستری است که ما همچنان رویکردهایی مبتنی بر چانه زنی در بالا برای رسیدن به توافق های سیاسی را شاهدیم. و متأسفانه این رویکرد و بینش باعث گردیده که در رابطه با شرکت کردن در انتخابات پیش روی به این گونه نگاه - همچون گذشته - توجهی بیش از حد نشان داده شود. اخیراً مصطفی تاج زاده، در ارتباط با سخنان اخیر علی خامنه ای در [سفر نوروزی] اش به [مشهد، ضمن دعوت از محمد خاتمی برای نامزد شدن در انتخابات آینده ریاست جمهوری، در قسمتی از پیامش نوشت: "در مورد پیام نوروزی رهبر نیز تصور می کنم این اولین بار ظرف چهار سال گذشته است که ایشان از موضع رهبری سخنرانی کرده اند. امیدوارم که این امر مقدمه برپایی انتخابات آزاد، سالم، عادلانه و قانونی باشد که در این صورت از ایشان سپاسگزار خواهیم بود ولی اگر خدای ناکرده این سخنرانی در حد حرف باقی بماند و در عمل انتخاباتی مهندسی شده و یک اسبیه و فرمایشی برگزار شود، نه تنها مسولیت برگزاری چنین انتخاباتی با شخص ایشان خواهد بود بلکه عواقب انتخابات رسوا دامنگیر وی خواهد شد و همه باید مستقیماً ایشان را مخاطب و مسول وضعیت کشور بدانند."

نیروها و فعالان سیاسی ای که رویدادهای میهن را در داخل و خارج از کشور پی گیری می کنند مطلعند که چندی پیش تنی چند از شخصیت های سیاسی که خود را اصلاح طلب نامیده اند ملاقاتی با علی خامنه ای ولی فقیه رژیم داشتند. با اینکه جزئیات این دیدار به طور کامل و دقیق منتشر نشده است، اما موضوع انتخابات ریاست جمهوری بدون شک مورد بحث قرار گرفته بود. اسحاق جهانگیری، وزیر صنعت دولت خاتمی، که در این دیدار حضور داشت، در سخنانی که روزنامه آرمان، ۲۷ اسفندماه، آن را منتشر کرد، در این ارتباط با اشاره به اینکه اصلاح طلب کسی است که با جمهوری اسلامی و انقلاب گره خورده است، به حوادث انتخابات ۸۸ اشاره می کند و در قسمتی از سخنانش به نقد اصلاح طلبان می پردازد و می گوید: "اصلاح طلبها قطعاً در کم شدن اعتماد نظام به این جریان سیاسی نقش داشته اند. عذرخواهی چیز خوبی است. این که انسدادهای مقابل مردم و نظامی که به گردن او حق دارد، عذر خواهی کند، چیز بدی نیست. این که چرا اصلاح طلبها عذرخواهی نمی کنند را باید به تنشست های گفتگمانی بین جناح ها واگذار کنیم." جهانگیری در جواب این سوال که: رهبری در این دیدار چه توصیه یی داشتند؟ گفت: "... تاکید ویژه ای که

داشتند این بود که کسانی که جمهوری اسلامی را قبول ندارند را از خودتان دور کنید." برای اینکه فضای سیاسی ایران برای انتخابات پیش روی بیشتر روشن شود، سخنان محسن هاشمی رفسنجانی، در مصاحبه با خبرگزاری مهر، ۲۷ اسفندماه، تامل برانگیز است. او در باره مهم ترین نیاز کشور در شرایط فعلی، جواب می دهد: "واقع گرای، عمل گرای و ایده آل گرای. به نظر من در حال حاضر کشور به جلوگیری از افراط و تفریطها و حضور همه سلاقی در قدرت نیاز دارد، چرا که هشت سال است که در کشور رویه افراط و تفریط در پیش گرفته شده است." او در ادامه سخنانش، در باره پیش بینی اش از نحوه حضور اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری، می گوید: "... برای حضور اصلاح طلبان و نه با استفاده از نیروهای درجه دو، چراغ مثبت یا سبزی از طرف نظام لازم است. ولی به نظر [می رسد] اصولگرایان و دولتی ها نمی توانند چنین ریسکی را بپذیرا باشند. حتی آنها نگران حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی در انتخابات نیز هستند، زیرا که نمی خواهند به سادگی قدرت اجرایی را واگذار کنند." همین دو اظهار نظر به خوبی نشان می دهد که، عزمی برای تمکین به خواست مردم از سوی سرکوب گران وجود ندارد. خبراتلین، ۵ فروردین ماه، به نقل از علی فلاحیان، درباره شرکت محمد خاتمی در انتخابات نیز اظهار داشت: "سید محمد خاتمی در انتخابات برای حضور در صحنه انتخابات با دو مشکل اساسی مواجه است. اول اینکه باید موضعی را در خصوص فتنه اعلام کند و دوم اینکه منتظر اعلام نظرسنجی ها برای میزان مقبولیتش نزد مردم است."

ما به طور اصولی با دعوت از محمد خاتمی برای نامزد شدن در انتخابات ریاست جمهوری مخالف نیستیم، و معتقدیم که چنین رویکردی با توجه به وضعیت جاری در میهن می تواند این امیدواری را به وجود آورد که برای بسیج توده ها به منظور برون رفت از خطری که میهن مان را تهدید می کند زمینه را فراهم می کند، اما بستر حضور و فعالیت در این زمینه به پشتیبانی از بدنه اجتماعی وابسته است. طبق داده های بالا، هیچ گونه نشانه یی که در آن بتوان این تحلیل را گنجانند که رژیم ولایت فقیه با حضور اصلاح طلبان و در صدر آنان محمد خاتمی مخالفتی ندارد، نمی توان مشاهده کرد، اما اگر بخواهیم نگاهی خوش بینانه به روندهای سیاسی داشته باشیم و سخنان نقل شده در بالا را نظریات شخصی افراد قلمداد کنیم و قبول کنیم که حضور اصلاح طلبان بدون مانع خواهد بود، باز این سوال پرسیده می شود که، نحوه حضور از طریق چه سازوکارهایی انجام خواهد گرفت؟ بنابراین، در صورت وجود چنین احتمالی، مسئله مهم و کلیدی برای نیروهای مترقی نمی تواند و نباید صرفاً شرکت در انتخابات و به رای دادن منحصر باشد. برای نیروهای مترقی، ملاک و اساس باید برنامه سیاسی آن کاندیدا باشد، یا به عبارتی دیگر، برنامه یی باید باشد که - به صورتی روشن و آشکار - خواست ها، نیازها، و دغدغه های جنبش و مردم در آن گنجانده شده باشد تا بر پایه آن بتوان به ارزیابی پرداخت. ولی فقیه رژیم، چه در دوران ۸ ساله اصلاحات و چه قبل و چه بعد از آن، از تمامی ابزارهای سرکوب استفاده کرده و گزینه عدم تمکین را برگزیده است. چنانچه رویکردهای مثبت مبتنی بر تکیه به توده ها نزد فعالان سیاسی ای که هنوز دغدغه حفظ نظام را در اولویت قرار می دهند به بینش غالب تبدیل شود، با اطمینان می توان ادعا داشت که صحنه سیاسی ایران شاهد تغییرها و تحولاتی کمی و کیفی خواهد شد. برخلاف تحلیل هایی که در صدد پذیراندن این تفکر گمراه کننده اند که جنبش مردمی توان مقابله با سرکوب های رژیم را ندارد، ما معتقدیم که جنبش مردمی ایران

ادامه تیره روزی دهقانان ...

زمین‌های مرغوب به‌چنگ زمین‌خواران افتاده است. بی‌جهت نیست که در جریان همایش ملی خاک و کشاورزی پایدار، کارشناسان کشاورزی از ابعاد تخریب زمین‌های کشاورزی و مهاجرت دهقانان به حاشیه شهرها به‌شدت انتقاد کردند. ایسنا، ۱۸ اسفندماه ۹۱، خاطرنشان‌ساخت: «در همایش ملی خاک و کشاورزی پایدار مطرح شد؛ ۲۰۰ هزار هکتار زمین کشاورزی زیرشهرها مدفون شده است. عضو هیات علمی موسسه تحقیقات آب و خاک جهاد کشاورزی کشور میزان اراضی قابل کشت ایران را ۱۸/۸ میلیون هکتار اعلام کرد... در حال حاضر ۷۰ درصد شهرهای ایران روی اراضی قابل کشت ایجاد شده و در کنار منابع آب و کشاورزی توسعه پیدا کرده‌اند که سالانه حدود ۴ هزار هکتار از اراضی قابل کشت، در زیر شش کلان‌شهر قرار می‌گیرند... بیش از ۴/۳ میلیون هکتار اراضی در کشور وجود دارد که در استان‌های مختلف واقع شده و تغییر کاربری یافته‌اند.» حاصل این وضعیت سودجویی و ثروت‌اندوزی شماری بزرگ‌زمین‌دار و بنیادهای انگلی حامی آن‌ها، و در مقابل، فقر، تیره‌روزی، و مهاجرت دهقانان بی‌پناه و زحمتکش است!

ایلنا، ۲۸ بهمن ماه ۹۱، در گزارشی از اوضاع وخیم کشاورزی و خانه‌خرابی دهقانان، تأکید کرده بود: «مشکلات معیشتی کشاورزان، آنها را وادار به مهاجرت می‌کند. عدم وجود آب و معضلات تولید برای کشاورزانی که در برخی موارد در گروه‌های ۲۰ نفره اقدام به گرفتن وام‌های ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومانی کرده‌اند، مشکل‌آفرین شده، سررسید اقساط وام‌های اخذ شده توسط کشاورزان و عدم به صرفه‌بودن تولید باعث گردیده تا بانک‌های عامل نسبت به وصول معوقات گیرندگان [یعنی دهقانان فقیر] اقدام کرده و در بسیاری از موارد کشاورزان با اجرائیه‌های بانک‌ها مواجه شدند که این موضوع وضعیت معیشتی کشاورزان را تحت الشعاع قرار داده است و در برخی از موارد باعث ازهم پاشیده شدن زندگی آن‌ها نیز شده است.» در همین زمینه ایسنا، ۱۸ اسفندماه ۹۱، با اشاره به اعتراض دهقانان به اعمال فشار بانک‌ها یادآوری کرده بود: «سخت‌گیری غیرقانونی بانک‌ها برای ارایه تسهیلات به کشاورزان؛ یکی از مشکلات اساسی بخش کشاورزی تعیین وثیقه‌های سنگین برای ارایه تسهیلات به کشاورزان از سوی بانک هاست.» این درحالی است که بزرگ‌زمین‌داران و بنیادهای انگلی برای تصاحب زمین‌های مزروعی و تغییر کاربری آن‌ها از تسهیلات بانکی بدون کمترین و کوچک‌ترین مانع برخوردارند. برخورد بانک‌ها و اصولاً سیستم بانکی با دهقانان زحمتکش و حضور پررنگ‌تر بنیادهای انگلی و بزرگ‌زمین‌داران در روستاها نشانه تمرکز بیش از پیش اسباب تولید در دست زمین‌داران است که می‌توان آن را از عوامل اصلی فقر دهقانان و در نتیجه مهاجرت آنان از روستا به حاشیه شهرها دانست. وضعیت زندگی و معیشت دهقانان زحمتکش میهن ما آنچنان ناگوار است که خبرگزاری ایلنا، ۱۸ آذرماه ۹۱، در گزارشی مشروح، نوشته بود: «در حال حاضر ۲۷ میلیون نفر جمعیت روستایی از تغذیه صحیح محصولات خود بی‌نصیب هستند. سوء تغذیه، امید به زندگی، مرگ و میر، عدم بهداشت تعریف‌شده، عدم تأمین درمان، تأمین اجتماعی و مسکن، مهاجرت، ترک تحصیل و در کل مدارا با وضعیت موجود نمی‌تواند افتخاری را نصیب صاحبان مملکت کند... دولت محترم از مفاد قرارداد تنظیمی با کشاورزان سرباز زده و ۱۰ میلیارد تومان حق انبارداری محصول مورد قرارداد را به کشاورزان پرداخت ننموده است.»

چنین است سرنوشت دهقانان میهن ما در سایه حکومت ولی‌فقیه! نارضایتی ژرف دهقانان از سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی رژیم را باید با کار هدفمند و سازمان‌گرا به سود احیای جنبش دهقانی پیوند زد.

ادامه مبارزه در راه لغو ستم ملی ...

گسترده در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان، از سوی رژیم ولایت‌فقیه، خشم و نفرت همه نیروهای ترقی‌خواه و میهن‌دوست از جمله حزب ما را برانگیخته است. در رویارویی با سیاست رژیم، یگانه راه درست تقویت پیوندها میان جنبش‌های ملی راستین و مردمی با مبارزه سراسری مردم برضد استبداد ولایتی و مداخله خارجی است. در دام توطئه‌های ارتجاع و امپریالیسم نباید افتاد، و با درپیش گرفتن سیاست‌هایی نادرست، آب به آسیاب دشمنان مردم نباید ریخت. منافع هیچ‌یک از خلق‌های ساکن ایران جدای ازهم نیست.

از تفرقه ملی فقط رژیم ولایت فقیه و دشمنان سربلندی و آزادی مردم ایران استفاده می‌برند. حزب ما در برنامه نوین، تصویب شده در ششمین کنگره، باردیگر با صراحت هرچه تمام‌تر دفاع قاطع از حقوق ملی خلق‌ها، العالی ستم‌ملی، و برابری حقوق کامل آن‌ها را مورد تأکید قرار داده است. حزب توده ایران، به‌گواهی تاریخ پرافتخار خود، همواره مبارز ثابت‌قدم و استوار لغو ستم‌ملی بوده است. ششمین کنگره حزب با تصویب برنامه نوین، که در آن بر مسئله ملی تأکید شده است، باردیگر پای‌بندی حزب توده‌های کار و زحمت به حقوق و منافع خلق‌های ساکن ایران در معرض داوری قرار گرفته است.

ما برضد ستم‌ملی و همه مظاهر آن مبارزه کرده‌ایم، و مبارزه خواهیم کرد. ایران میهن مشترک همه خلق‌های آن است. حزب ما با احساس مسئولیت میهنی و طبقاتی خود مسئله ملی را در چارچوب برابری کامل حقوق همه خلق‌ها طرح می‌کند. ما هم ستم‌ملی و محرومیت‌های ملی موجود را در نظر می‌گیریم و هم پیوندهای ژرف تاریخی-اجتماعی و فرهنگی، و نیز منافع عمده مشترک سیاسی و اجتماعی موجود میان خلق‌های ایران را، و براین پایه در راه لغو ستم‌ملی استوار و خستگی‌ناپذیر بیکار می‌کنیم!

ادامه میراث علمی مارکس ...

برای مسئله‌ها و دشواری‌های گوناگون امروز، مثلاً ویرانی محیط زیست به سبب شیوه کارکرد صنعت، راه‌حل‌های مشخصی درآوریم، اما روزا لوکزامبورگ نشان داده است که مارکس، به موازات بینش‌های مشخصی که در مقام نظریه‌پرداز و مفسر تاریخ دارد، شیوه تحلیل علمی‌ای نیز از خود به‌جا گذاشته است، به‌ویژه در زمینه شیوه تحلیل سرمایه‌داری، تکامل تاریخی آن، و سازوکارهای درونی‌اش. در سال‌های آغازین سده نوزدهم، مارکس سرشت انقلابی طبقه کارگر سازمان‌یافته را تشخیص داد. بررسی دقیق‌تر آثارش نشان می‌دهد که او با تیزبینی به تشکیل جنبش‌های سیاسی در مبارزه برای عدالت اجتماعی توجه و تمایل داشت. در فاصله سال ۱۸۸۳ که کارل مارکس درگذشت و سال ۱۸۹۵ که فردریش انگلس درگذشت، جنبش بین‌المللی سوسیالیستی رشد عظیمی یافت. در این فاصله زمانی، «مانیفست کمونیستی» دست‌کم ۷۵ بار و به ۱۵ زبان مختلف منتشر شد. پس از مرگ مارکس، انگلس بسیاری از آثار مارکس را برای نخستین بار ویرایش کرد و چاپ‌های تازه‌ای از آثار قبلاً منتشر شده مارکس را انتشار داد. یکی از نخستین آثاری که منتشر شد، «تزهایی درباره فویرباخ» بود که مارکس آن را در سال ۱۸۴۸ نوشته بود. انگلس این تزه‌ها را «جوانه‌های درخشان جهان‌بینی نوین» توصیف کرد. او در اینجا به روش درک واقعیت و تاریخ به صورت «فعالیت حسی انسان» و «عمل» (پراتیک) اشاره دارد. در یازدهمین و آخرین تزه مارکس درباره فویرباخ است که پیوند ناگسستنی میان تعالی نظری و کوشش سیاسی مارکس را یک‌جا می‌بینیم: «فیلسوفان به انحای گوناگون فقط جهان را توضیح داده‌اند، ولی نکته بر سر تغییر آن است.»

تا همین امروز هم استقبال از نوشته‌های مارکس و انگلس، در شرایطی که دائماً در حال تغییر است، در ارتباط با تدوین برنامه‌های سیاسی بوده است. این امر هم در مورد جنبش کارگری اروپا در سال‌های پایانی سده نوزدهم و اوایل سده بیستم صادق است و هم در مورد جنبش جهانی کمونیستی پس از انقلاب اکتبر. اینکه آثار مارکس را در عمل چطور به کار می‌گرفتند، همیشه به مبارزات عملی و واقعی، به توازن نیروها، و به جستجو برای یافتن راه‌های عملی بستگی داشت. توجه تازه‌ی که در روزگار ما به آثار مارکس نشان داده می‌شود، حاکی از آگاهی فزاینده بر این است که برقراری دنیایی دیگر نه تنها لازم، که امکان‌پذیر هم هست. در ارتباط با اندیشه‌های مارکس، اکنون باید این پرسش بااهمیت را پرسید که: در شرایط تغییر یافته کنونی، امروزه چه کسانی در خط مقدم مبارزه برای غلبه بر نیروی محرکه بربرمنشانه سرمایه‌داری قرار دارند؟ در آمریکای لاتین، دولت‌های چپ‌گرا هستند. در کشورهایی مثل آلمان، آن نیروهایی اند که ضد خصوصی‌سازی در همه عرصه‌ها مبارزه می‌کنند، از جمله در عرصه‌هایی که برای هستی و زندگی انسان بنیادی‌اند، مانند مسکن، بهداشت و درمان، و آموزش. همچنین نیروهایی را داریم که ضد قدرتی بانک‌ها و نظامی‌گری در سیاست خارجی مقاومت و مبارزه می‌کنند. مارکس در اندیشه‌های منظم و یک‌پارچه‌اش ارتباط درونی میان همه این عرصه‌های زندگی را نشان داده است. امروزه، زمانی که موجودیت بشر در خطر است، برخورداری از این دانش اهمیت و ضرورتی بیش از پیش دارد.



امکان مطرح شدن راه حل‌هایی مبتنی بر گفت‌وگو حکایت می‌کند. برخی از محفل‌های با نفوذ در ایالات متحده بر این نظرند که موضع‌گیری‌های ایالات متحده و به ویژه وزیر دفاع جدید این کشور، "چاک

هاگل"، در ارتباط با بحران در شبه‌جزیره کره، اشتباه بوده است و ممکن است وضعیت را از آنچه که هست وخیم‌تر کند. واشنگتن اعلام کرده است که، در جستجوی یافتن راه حلی دیپلماتیک برای این بحران است. در این رابطه اعلام شده است که دولت ایالات متحده از دولت چین، مهم‌ترین متحد جمهوری دموکراتیک خلق کره، برای تخفیف مشاجره‌ها و پائین کشیدن فتنه درگیری‌های لفظی که دامنه‌ی مهارنشده‌ی و خطرناک به خود گرفته است، خواسته است تا پادرمیانی کند. جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، قرار است که بر سر راه سفر برنامه‌ریزی شده‌اش به آسیا در روزهای آینده، با همتای چینی خود در پکن گفت‌وگو کند. "پارک جئون هیه"، رئیس جمهوری کره جنوبی، نیز قرار است در این هفته با باراک اوباما در ایالات متحده دیدار و گفت‌وگو کند. حزب توده ایران، با هرگونه جنگی در شبه‌جزیره کره به شدت مخالف است، و سخنان غیرمسئولانه و مقابله جویانه در مورد به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای از سوی طرف‌های درگیر را تقبیح می‌کند. ما معتقدیم که، قصد ایالات متحده آمریکا از درپیش گرفتن سیاست‌های تحریک‌آمیز، توجیه تقویت حضور نظامی‌اش در منطقه به‌منظور کسب هژمونی نظامی و به ویژه محاصره "جمهوری توده‌ای چین" است. تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای می‌تواند زمینه را برای سیاست‌های ایالات متحده آسان سازد. همه مشکل‌ها و اختلاف نظرهای موجود میان ایالات متحده و جمهوری دموکراتیک خلق کره می‌بایست از راه‌های صلح‌آمیز، بر پایه "منشور سازمان ملل متحد"، و با هدف خاتمه دادن به وضعیت جنگی در این منطقه حساس، حل و فصل شود.

جهان خواهان پایان یافتن تنش‌ها در شبه‌جزیره کره است!

اوج‌گیری تنش‌های جدی میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری دموکراتیک خلق کره، در هفته گذشته، صلح را در شرق آسیا، و به دنبال آن، سراسر جهان در شرایط تهدید آمیزی قرار داد. اقدام تحریک آمیز و عامدانه دولت آمریکا در شرکت دادن بمب افکن‌های فوق مدرن "ب ۵۲" - که می‌توانند تسلیحات اتمی را حمل و شلیک کنند و در عین حال توانایی گریز از شناسایی از سوی سیستم‌های راداری را دارند - در مانور نظامی مشترک با دولت گوش به فرمان حاکم در سئول، با واکنش شدید و پیش‌بینی‌شدنی جمهوری دموکراتیک خلق کره، (ج.د.خ.ک) روبه‌رو گردید. مقام‌های "پیونگ یانگ" این اقدام تحریک آمیز ایالات متحده را اعلام جنگ برضد خود ارزیابی کرده و در اقدامی تلافی جویانه، که جهان و همسایگان این کشور در شرق آسیا را متعجب کرد، قرارداد آتش بس برای پایان دادن به جنگ کره را که از سال ۱۹۵۳ برقرار بوده است، از درجه اعتبار ساقط دانست. قبل از این "ج.د.خ.ک" در بهمن ماه ۹۱ آزمایشی هسته‌ای را به انجام رساند که بر اثر آن هدف تحریم‌های فزاینده تازه‌تری از سوی سازمان ملل قرار گرفته است. "کیم جونگ اون"، رهبر ۳۰ ساله "ج.د.خ.ک"، که تنها چند ماهی است که پس از مرگ پدرش رهبری این کشور را به دست گرفته است، هفته پیش اعلام کرد که، عملکرد تهدیدآمیز ایالات متحده در حکم اعلام جنگ به این کشور است، و در صورت گسترش تهدیدهای آمریکا، "ج.د.خ.ک" از موشک‌های هسته‌ای برای رویارویی با آن استفاده خواهد کرد.

"ج.د.خ.ک" در روز ۱۳ فروردین ماه اعلام کرد که، قصد دارد راکتور پلوتونیوم خود را که مدتی طولانی تعطیل بوده است، به‌منظور افزایش تولید مواد هسته‌ای دوباره راه اندازی کند. سخنگوی اداره کل انرژی هسته‌ای "ج.د.خ.ک" گفت که، دانشمندان "تنظیم و راه اندازی مجدد" مجتمع هسته‌ای اصلی کشور در "نیونگ بیون"، و از جمله راکتور پلوتونیوم و یک کارخانه غنی سازی اورانیوم، را به‌سرعت آغاز خواهند کرد. این سخنگو گفت: "این اقدام در اساس به‌منظور حل و فصل مشکل حاد کمبود برق این کشور است، ولی نیروهای مسلح هسته‌ای را نیز هم در کیفیت و هم در کمیت تقویت خواهد کرد." این راکتور در سال ۱۹۸۶ آغاز به کار کرد، اما فعالیت آن در جریان مذاکرات بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای در سال ۲۰۰۷ متوقف شد. سخنگوی نام برده گفت: "کار راه اندازی مجدد تسهیلات بدون تاخیر آغاز خواهد شد."

کمیته مرکزی حزب کارگران جمهوری دموکراتیک خلق کره همچنین در روز ۱۱ فروردین ماه، هشدار داد که، سلاح‌های هسته‌ای "حیات ملت" است، و دولت حتی به‌ازای "میلیاردها دلار" از آن دست نخواهد کشید. نشانه‌هایی در دست است که دولت "ج.د.خ.ک" در صدد محدود کردن، و در نهایت، لغو موافقتنامه همکاری اقتصادی میان دو کشور [کره شمالی و کره جنوبی] در شهرک صنعتی "کائسونگ" در شمال منطقه غیرنظامی مرزی دو کشور است.

فیدل کاسترو، رهبر انقلابی کوبا، روز جمعه ۱۶ فروردین ماه، در پیامی خواست تا از شدت یافتن خصومت‌ها در شبه‌جزیره کره و روی دادن جنگی میان دو کره جلوگیری شود. او در مطلبی که در مطبوعات کوبا منتشر شد، نوشت: "اگر جنگی درگیرید، مردم هر دو بخش شبه‌جزیره قربانی آن خواهند شد، بی‌آنکه این درگیری برای هیچ‌کدام از آن‌ها سودی دربرداشته باشد. جمهوری دموکراتیک خلق کره با کوبا همیشه روابط دوستانه‌ای داشته است، و کشور کوبا همواره با این کشور بوده و خواهد بود؛ حالا که این کشور [کره دموکراتیک] دستاوردهای علمی و فنی خود را به نمایش گذاشته است، ما وظیفه‌اش را نسبت به کشورهایی که همواره دوستان بزرگ این کشور بوده اند به خاطرش می‌آوریم؛ و از یاد بردن اینکه چنین جنگی به‌ویژه بر زندگی بیش از ۷۰ درصد از ساکنان این سیاره اثر می‌گذارد، ظالمانه و نابه‌جاست؛ اگر درگیری‌ای با این خصوصیت برپا شود، دولت دوم باراک اوباما در سلیبی از نمادهایی مدفون می‌شود که او را در مقام منحوس‌ترین چهره تاریخ ایالات متحده در نظرها خواهد نمایانید. وظیفه روی گرداندن از جنگ نیز مربوط به او و مردم ایالات متحده است." در روزهای گذشته نشانه‌هایی از عقب نشینی‌هایی محسوس از سوی ایالات متحده ظاهر شد که از

دست عمل

دست عمل چون رسید زلف خرد شانه کرد

پیچش آشفته را مست به میخانه کرد

زلف عروس خرد شد به تن آراسته

در بن دستان کار جلوه‌ء مستانه کرد

عقل سبب جوی ما ره به تفکر کشید

جوهر صد داده را جمع به پیمان کرد

گر خرد آدمی حد بشناسد به جان

در دل هر بی حدی دعوی جانانه کرد

چون به خرابات شد ضد خرابش به نظم

دمبدم و ناگهان رزم دلیرانه کرد

از شک "پویای" ما باور دوران شکفت

در شک بی باوران پوچی شب لانه کرد

ادامه میراث علمی مارکس...

ویتنام، و چین، در گورستان "های گیت" برگزار شد. به دعوت رفیق دکتر جان کالو، رئیس کتابخانه یادبود مارکس، و رهبری حزب کمونیست بریتانیا، هیئتی به نمایندگی از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران در این مراسم شرکت کرد، و با نثار دسته‌گلی بر مزار این رهبر دانشمند جنبش کارگری جهان، به ایشان ادای احترام کرد.

در بزرگداشت منزلت کارل مارکس، فردریش انگلس، رفیق و همکار او، در خطابه ستایش‌آمیزی که سه روز پس از مرگ مارکس، در سال ۱۸۸۳، در مراسم تدفین او ایراد کرد، به خدمت عظیم و بی‌پدیل او به علم و مبارزه قانون‌مند برای پیشرفت جامعه بشری اشاره کرد. انگلس، کشف قانون‌مندی تکوین و رشد تاریخ بشری، یا به عبارت دیگر، ماتریالیسم تاریخی، و دوم، قانون‌مندی حرکت ویژه حاکم بر شیوه تولید سرمایه‌داری امروزی را از تئیه مارکس دانست، و افزود: ماتریالیسم تاریخی یگانه کشف بزرگ مارکس نبود. "مارکس همچنین قانون‌مندی حرکت ویژه‌ای را یافت که بر شیوه تولید سرمایه‌داری امروزی، و جامعه بورژوازی حاکم است. کشف ارزش‌افزافه به‌ناگهان به روشن شدن مسئله‌ی کمک کرد که تمام پژوهشگران پیش از آن، هم اقتصاددانان بورژوازی و هم منتقدان سوسیالیست، در تاریکی در پی حل کردن آن بودند."

سخنران اصلی مراسم امسال بر سر مزار مارکس، رفیق "هانس مودرو"، آخرین رهبر "حزب سوسیالیست متحد" و نخست وزیر جمهوری دموکراتیک آلمان، در پایان دهه ۱۹۸۰ میلادی، بود. "هانس مودرو" اکنون سمت صدر حزب "چپ" آلمان را برعهده دارد. متن سخنرانی این رهبر خوشنام مبارزان راه سوسیالیسم در آلمان، در زیر می‌آید:

ما امروز در صدوسی‌امین سال مرگ کارل مارکس بر سر مزار او گرد آمده‌ایم تا نسبت به این اندیشمند و انقلابی بزرگ ادای احترام و سپاس کنیم. مارکس همیشه بنیاد همه چیز را بر واقعیت‌های موجود می‌گذاشت. بیایید ما هم نگاهی کنیم به واقعیت‌های امروز، ۲۳ سال پس از فروری سوسیالیسم واقعاً موجود. کشورهای سوسیالیستی پیشین در روزهای آخر موجودیت خود به علت کمبودها و کاستی‌هایی که داشتند، از سوی اکثریت مردمشان در حکم بدیلی کامیاب و پایدار در برابر سرمایه‌داری دیگر جدی گرفته نمی‌شدند. در عین حال، امروزه بسیاری از همان مردم از تجربه‌های مثبت آن دوره یاد می‌کنند. در مقیاس جهانی، صرف وجود جامعه سوسیالیستی، سرمایه‌داری را تا حد زیادی در حصار نگه داشته بود. اما اکنون رخدادهایی را شاهدیم که به‌روشنی نشان دهنده خطری‌اند که نظام اقتصادی و اجتماعی کنونی برای آینده بشریت دارد. این بُعد و تحول تازه، از لحاظ نظری، در چیرگی نولیبریالیسم بازتاب یافته است. مضمون این ایدئولوژی، بت‌سازی مذهب‌وار و تمام‌عیار از بازار در مقام تنها ساختار تنظیم‌کننده همه‌چیز در زندگی روزمره است. بت کردن بازار یعنی خصوصی‌سازی هر چیزی که جزو نیازهای اساسی همگان است، از خوراک و پوشاک و مسکن گرفته تا بهداشت و درمان و آموزش. بازار فقط یک هدف را می‌شناسد و بس: تلاش مستمر و بی‌وقفه برای به حداکثر رساندن سود. پیامدهای این روند در سطح جهان و در منطقه، چه در فقیرترین کشورها و چه در کشورهای سرمایه‌داری غربی به‌روشنی دیده می‌شود. امروزه تمرکز بیش از پیش و فزاینده ثروت و قدرت در دست عده‌ی کمی‌شمار از یک سو، و افزایش بیش از پیش و فزاینده شمار مردمانی در سراسر جهان از سوی دیگر، را شاهدیم که از فقر و استثمار رنج می‌برند و حتی مجبور می‌شوند کشور خود را ترک کنند. آمارهای موجود در این زمینه بسیار دردناک و هشدار دهنده‌اند. در سال ۲۰۰۱ در سراسر جهان ۴۹۷ میلیارد (دلاری) بودند که مجموع دارایی‌های آنان بر ۱/۵۰۰ میلیارد دلار بالغ می‌شد. در سال ۲۰۱۰، عده این اترپولدارها به ۱/۱۲۰ نفر رسید و مجموع دارایی‌هاشان سر به ۴/۵۰۰ میلیارد دلار زد، که بیشتر از تولید ناخالص ملی کشور آلمان [نزدیک به ۳/۶۰۰ میلیارد دلار] است. امروزه شمار اندکی از شرکت‌های بزرگ چندملیتی کنترل بازار عرضه مواد غذایی را در دست دارند. جن زیگلر، نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امر "حق برخورداری از غذا" که از سال ۲۰۰۰ در این سمت کار می‌کند، داده‌ها و اطلاعات فراوانی را در مدت این سال‌ها گرد آورده است که حاکی از نفوذ منافع سوداگران و سودورزان در تنظیم و اجرای سیاست‌های ملی و بین‌المللی است. برای مثال، در سراسر جهان فقط ۱۰ مجتمع (کنسرن) بزرگ سرمایه‌داری هستند که یک سوم بازار دانه‌های کشاورزی و ۸۰ درصد بازار سموم ضدآفت کشاورزی را در دست دارند. ۷۷ درصد بازار کود شیمیایی در اختیار فقط ۶ مجتمع بزرگ است. شش مجتمع سرمایه‌داری بر ۸۵ درصد بازار جهانی غلات تسلط دارند، ۸ مجتمع کنترل ۶۰ درصد بازار جهانی قهوه را در دست دارند، و سه مجتمع



بر ۸۰ درصد بازار کاکائو و ۷۱ درصد بازار موز چنگ انداخته‌اند. به قول رهبر جنبش بی‌زمینان برزیل در مورد صنعت کشاورزی جهانی: "هدف آن نه تولید مواد خوراکی، بلکه تولید کالا‌هایی است که بتوان از آنها پول درآورد."

روزا لوگزامبورگ زمانی گزینه‌های موجود را "سوسیالیسم یا بربریت" تعریف کرده بود. ما بر اساس آموزه‌های مارکس می‌دانیم که نیروی جلو‌برنده این "بربریت"، حرص و از برای کسب سود است. در

رفیق مودرو (با کلاه) در حال سخنرانی

سال‌های اخیر، همین آزمندی و سودخواهی فزاینده را می‌توان به مقیاس گسترده‌ی در تهاجم زمین‌خواران در آفریقا دید، که به بهانه بارآوری بیشتر، سبب ویرانی و تباهی موجودیت دهقانان شده است. اما این بارآوری بیشتر، سودی برای افراد محلی ندارد، [سودی] که بیش از هر کس، خود آنان برای بقای‌شان به آن نیاز دارند. آنانی که سود می‌برند، کسانی‌اند که از این زمین‌ها برای تولید کالا‌های قابل فروش بهره می‌گیرند و آن‌ها را در هر جا که بیشترین سود را نصیب‌شان کند، می‌فروشند. ما اکنون پیامدهای جهانی این نیروی بی‌رحم و لگام‌گسیخته را در صنعت نساجی یا در بازار املاک شاهدیم که هرگاه "حباب املاک" می‌ترکد، مردم خانه و کاشانه خود را از دست می‌دهند. ما به

قدرت بانک‌ها، در حکم شتاب‌دهنده این روند، به‌خوبی آگاهی‌داریم. اکنون در سطح جهان می‌بینیم که، سرمایه‌داری بازار مالی برای سیاستمداران کشورها تصمیم‌گیری می‌کند. شاهدیم که بانک‌های "مرتبط با نظام" را با پول مالیات دهندگان از مخمصه نجات می‌دهند. اما جالب است که در کشورهای اروپای جنوبی، بیکاری را مسئله‌ی "مرتبط با نظام" نمی‌دانند و با وجود اینکه بیکاری در میان جوانان به مرز ۵۰ درصد رسیده است، حاضر نیستند برای حل این مسئله پول خرج کنند. آیا نظام اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌داری جلوه‌های شوم‌تر از این هم دارد؟ باید گفت آری. در کشورهای غربی، ما اکنون نظام بهداشت و درمانی‌ای دوگانه و بیمارستان‌های خصوصی‌شد را شاهدیم که در آن‌ها بخش‌های حساس‌تری تعیین می‌کند که کدام معالجه‌ها از همه پُرسودترند و باید انجام شوند! در این بیمارستان‌ها تندرستی و بهزیستی بیماران معیار نیست. معیار، سود است.

دیگر نمایش این نیروی محرکه ضدانسانی را می‌توان در مجتمع‌های نظامی - صنعتی بسیار سودآور و بسیار قدرتمند سیاسی دید. از سال ۱۹۹۰ تا کنون، هزینه‌های نظامی در سطح جهان به اندازه حدود ۳۰ درصد افزایش یافته است. در آمریکا، هزینه‌های نظامی در ده سال گذشته بیش از دوبرابر شده است! این کشور از گسیل نیروهای نظامی به همه‌جای دنیا برای تأمین و تضمین منافع اقتصادی خود و حفظ سرکردگی نظامی و سیاسی‌اش استفاده می‌کند. و باز شگفت‌انگیزتر اینکه، همه این سودورزی‌ها را زیر پوشش نیاز به برقراری دموکراسی و حقوق بشر به پیش می‌برند. نتیجه این سیاست‌ها تا کنون چیزی نبوده است جز بی‌ثباتی فزاینده و "دولت‌های ضعیف". عراق یکی از نمونه‌های آن است.

شتاب سریعی که گسترش نظام اقتصادی و اجتماعی سرمایه‌داری از سال ۱۹۹۰ به این سو داشته است، پیامدهای ناگواری برای کل فضای زندگی بشر داشته است. البته مردم جهان به تجربه نسبت به پیامدهای نگران‌کننده این روند آگاه شده‌اند، اگرچه هنوز به نقطه‌ی نرسیده‌اند که اساس نظام سرمایه‌داری را زیر علامت سؤال ببرند. جوزف استیگلیتز، برنده آمریکایی جایزه نوبل اقتصاد، کتابی نوشته است با عنوان اصلی: "بهای نابرابری" و عنوان فرعی: "چگونه جامعه تقسیم‌شده امروز، آینده ما را در معرض نابودی قرار می‌دهد". از دید او ظاهراً مارکس اهمیتی ندارد. او ساده‌لوحانه صرفاً خواستار انجام تغییرهایی در چارچوب سیستم دموکراتیک آمریکاست. اما او در عین حال سرشت ویرانگر دگرگونی‌های اخیر را پیگیرانه نشان می‌دهد و از جنبش "تسخیر" [وال‌ستریٹ] حمایت می‌کند که صدای ۹۹ درصدی‌ها در برابر آن ۱ درصدی‌ای است که محفل‌های حاکم آمریکا نماینده‌اند. نکته جالب دیگر اینکه، او در کنار "برآشفنگان" - مردم خشمگین اسپانیا - می‌ایستد و از آنان حمایت می‌کند. مارکس بازگشته است، و اندیشه‌های او همچنان تازگی دارد. حتی در رسانه‌های بورژوازی آلمان نیز می‌بینیم که به‌وفور به اندیشه‌های مارکس اشاره می‌شود. توجه به او به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. ممکن است که ما نتوانیم از درون آثار مارکس

برگزاری سی و ششمین کنگره حزب کمونیست فرانسه

دیگر و بهتر در این جامعه نیز وجود دارد. در بهار گذشته مردم ما به دگرگونی رای دادند. آنان حق داشتند، به چنین راهی اعتقاد داشتند. ما امروز برای یاری رساندن به پیشرفت و به جلو بردن کشور و همراه با آن برای یافتن راهی به منظور غلبه بر بحران، در اینجا گرد آمده‌ایم. ما روی شما حساب می‌کنیم. با گشایش کار سی و ششمین کنگره، ما باید فقط فکری یگانه در سر داشته باشیم، و آن عبارت است از این که: برای خلق مان در فرانسه مفید باشیم، و نیز برای همه آتانی که در کشور ما، در اروپا، و در سراسر جهان، هر روزه، برای زندگی‌ای بهتر، برای بیرون آمدن از دنیای نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها، برای گشودن راه‌هایی تازه در مسیر آزادی، همستگی، و پیشرفت‌های اجتماعی، و برای صلح و آزادی می‌زنند، مفید باشیم. "ما امروز هشتصد نماینده‌ایم که از سوی کسانی انتخاب شده‌ایم که چشم‌انتظارشان به تصمیم‌گیری‌های ما دوخته است. تصمیم‌های ما برای اینکه موثر باشند، باید پدرومانه و وسیع باشند، زیرا کنگره ما با استثنای سه‌گانه‌ی برگزار می‌شود: نخستین استثناء، عبارت از بحران بزرگ تمدنی، روباوئی‌ای تاریخی میان سیستم مسلط سرمایه‌داری جهانی شده است - که زمان درازی‌ست در بحران به سر می‌برد - با نیازهای جامعه بشری؛ همان گونه که در سال ۲۰۰۸ پیش بینی کرده بودیم. دومین، عبارت از مرحله تازه‌ی از نبرد ما برای دگرگونی در فرانسه بود، که با شکست نیکلاس‌کوزی و نیروی سیاسی مافوق ارتجاعی‌ای که فرانسه از زمان آزادی (منظور آزادی از یوغ فاشیسم) تا کنون شناخته بود، آغاز شد. با انتخاب فرانسوا اولاند و استقرار دولت آپرول (نخست وزیر) و با جایی که جبهه چپ در صحن اکثریت توده‌ای در آن قرار گرفته است، امکان دگرگونی را می‌دهد.... و سرانجام، کمونیسمی نوین با دگرگونی‌ای شتابان. ما از این پس به‌طور روشن ساختمان کمونیسم نسل جدید را می‌خواهیم. به شمار فراوان هیئت‌های نمایندگی‌ای که امروز برای نخستین بار در کنگره حزب کمونیست فرانسه شرکت می‌کنند توجه کنید. حزب ما، در این چهار سال گذشته، به‌طور عمیق دگرگون شد. اجرا کنندگان این نوسازی شما هستید. حضور در این کنگره شانس است بزرگ، و ما افتخار می‌کنیم که شما را از خود به شمار آوریم. از طریق شما به بیست‌وسه هزار عضو جدید، به جوانان، مبارزان محله‌های توده‌ای و دنیای کار، که در این چهار سال اخیر به حزب پیوسته‌اند، درود می‌فرستیم."

آنگاه رفیق "لوران"، با اشاره به ناکامی‌های حزب کمونیست فرانسه در سال‌های گذشته، گفت: نخست ما تصمیم به نوسازی انتخاب کمونیستی خود گرفتیم، کمونیسمی از این پس برگشت ناپذیر، در فضائی با اقتضای دموکراسی، و با درک اینکه جهان به‌طور کامل تغییر کرده است... و این آن چیزی است که من امروز آن را "کمونیسم نسل جدید" می‌نامم. این نخستین انتخاب اساسی را ما با انتخاب دیگری هم‌راه کردیم که همان قدر اساسی است، و آن عبارت است از: دنبال کردن استراتژی نوین گردهم‌آوری و تجهیز نیرو با هدف برون رفت از حلقه پیچ در پیچ نا کامی‌های چپ، و بازگشاینده راه برپایی جبهه‌های واحد، وسیع، پیش رو، و مترقی برای دگرگون کردن جامعه. این آن انتخابی است که راه را برای جبهه واحد می‌گشاید. آری، پس از چهار سال ما می‌توانیم بگوییم که نخستین امتیازها را کسب کرده‌ایم. ما موفق شده‌ایم این کنگره یگانه، نیرومند، و منسجم را، آن گونه که مدت‌ها نظیر آن را ندیده‌ایم، برگزار کنیم. سپس رفیق "لوران" در باره اوضاع جهان، اروپا، و فرانسه به تفصیل سخن گفت، و مهم‌ترین مسئله‌های مرتبط با آن‌ها را مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرارداد. نماینده حزب توده ایران، در حاشیه جلسه‌های کنگره با برخی از هیئت‌های نمایندگی حزب‌های دعوت شده به کنگره سی و ششم حزب کمونیست فرانسه به بحث و گفت‌وگو پرداخت که یکی از جالب‌ترین آن‌ها گفت‌وگو با رفقای افغانستان بود. رفقای افغان در باره کوشش‌های در حال انجام و گفت‌وگوهای مقدماتی به‌منظور تشکیل حزبی واحد سخن‌های امیدبخشی گفتند. این رفقا اطلاع دادند که، در حال حاضر گفت‌وگو بین حزب‌ها و سازمان‌های مختلف تشکیل شده از اجزای حزب دموکراتیک خلق افغانستان مرحله‌های نهایی خود را طی می‌کند که امید است به‌زودی به سر سرانجامی برسد و حزب واحد پیش‌رویی در افغانستان به وجود آید. به‌جز این نیز، رفقای افغانی از دگرگونی‌های چشمگیر و معنا دار در میان مردم افغانستان، از جمله اویختن عکس دکتر نجیب‌الله - رئیس جمهوری فقید این کشور پیش از یورش بربرمنشانه اسلام‌گرایان مورد حمایت ایالات متحده، پاکستان، عربستان سعودی، و جمهوری اسلامی ایران و تسلط فاجعه‌بار طالبان و القاعده بر این کشور - بر دیوارهای خانه‌ها و مغازه‌ها اطلاعات جالبی ارائه دادند. سی و ششمین کنگره حزب کمونیست فرانسه، بررغم تمامی گزارش‌های جنجال برانگیز رسانه‌های سرمایه‌داری در رابطه با تصمیم‌های گرفته شده در آن، در راستای قوت بخشیدن به نقش سازمان‌دهی شده این حزب در مبارزه زحمتکشان فرانسه برای صلح و ترقی اجتماعی گام مهمی برداشت.

سی و ششمین کنگره حزب کمونیست فرانسه به مدت چهار روز، از نوزدهم تا بیست دوم بهمن ماه (۷ تا ۱۰ فوریه ۲۰۱۳) با حضور هشتصد نماینده از سازمان‌های پایه حزب برادر، در پاریس برگزار شد. این کنگره به مدت چهار روز با دقت و موشکافی تمام مسئله‌های سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی مطرح برای طبقه کارگر و زحمتکشان فرانسه را مورد بررسی قرار داد. به دعوت حزب کمونیست فرانسه، هشتاد و چهار هیئت نمایندگی از حزب‌های کمونیست و کارگری از سراسر جهان در این کنگره شرکت داشتند. در این مورد، رفیق "پی‌یر لوران"، دبیر اول حزب کمونیست فرانسه، در روز دوم کنگره در دیدار با هیئت‌های نمایندگی خارجی، گفت: "پس از مدت‌ها است که چنین شماری از مهمانان خارجی در کنگره حزب ما شرکت می‌کنند." به دعوت حزب کمونیست فرانسه، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز در این کنگره شرکت کرد. رهبری حزب ما در پیامی مفصل خطاب به نمایندگان کنگره سی و ششم حزب کمونیست فرانسه از جمله اظهار داشت: "کمیته مرکزی حزب توده ایران شاد باش‌های رفیقانه خود را به سی و ششمین کنگره حزب کمونیست فرانسه تقدیم می‌دارد. ما موفقیت کامل کنگره شما را در تدوین سیاست‌های حزب‌تان در راه مبارزه‌ی دشوار که مهم‌ترین شان تلاش برای صلح، دموکراسی، و پیشرفت‌های اجتماعی در فرانسه و سراسر جهان است، آرزو می‌کنیم. همچنین می‌خواهیم از این فرصت استفاده کنیم و بگوییم که، به روابط طولانی زمان و برادرانه‌مان با حزب کمونیست فرانسه افتخار می‌کنیم. حزب توده ایران از همستگی پیگیر و گسترده حزب کمونیست فرانسه با مردم زحمتکش ایران، نیروهای مترقی در ایران، و به ویژه حزب توده ایران، در مبارزه‌شان برای صلح، دموکراسی، و عدالت اجتماعی، قدردانی می‌کند."

کمیته مرکزی حزب توده ایران، در بخش دیگری از پیامش یادآور می‌شود: "سی و ششمین کنگره شما در دورانی بسیار دشوار بر گزار می‌شود. به‌طور آشکار و ناگزیری مشخص است که جهان سرمایه‌داری بر لبه پرتگاه رکودی ژرف ایستاده است. همه تلاش‌ها برای بیرون کشاندن اقتصاد سرمایه‌داری از بحران چند جانبه اقتصادی و مالی بی‌ثمر مانده‌اند. آن چه که در حکم ورشکستگی شرکت‌های بزرگ آغاز شده بود در حال حاضر به ورشکستگی سیستم‌های اقتصادی تبدیل شده است. بسیاری از کشورها نسخه‌های نویی برای تحمیل اقدام‌های "ریاضت" کثانه را برای بیرون کشاندن اقتصاد خود از ورشکستگی به‌کار بسته‌اند. در عمل، اقدام‌های مبتنی بر ریاضت اقتصادی، با انداختن تمام بار بحران بر دوش طبقه کارگر و شهروندان عادی، قدرت خرید آن‌ها را بیشتر کاهش داده است. این اقدام‌ها همچنین خود به کاستن و از نفس انداختن فعالیت‌های اقتصادی انجامیده، و به وخیم‌تر کردن مسری بودجه و افزایش آن کمک کرده است." در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه به شرایط دشوار مبارزه مردم و نیروهای ترقی‌خواه ایران با رژیم دیکتاتوری حاکم بر کشور اشاره شده است، و بر صراحت تحلیل حزب‌مان در ضرورت مبارزه برای اصلاحات بنیادین در کشور، همچون ضرورتی کلیدی، تأکید شده است. در روز دوم برگزاری کنگره، خبر درناک و خشم برانگیزی در صحن اجلاس کنگره به اطلاع شرکت کنندگان رسید. خبر ترور جنایت‌کارانه "شکری بالعید"، شخصیت مبارز با متعصبان مذهبی اسلام‌گرا و یکی از چهره‌های محبوب مردم تونس، تأثر عمیق حاضران را برانگیخت، و شرکت کنندگان در کنگره برای ادای احترام به او، در میان سکوتی اندوه‌بار، بپا خاستند و بالاترین احترام انترناسیونالیستی‌شان را به مبارز جان‌باخته، به‌نمایش گذاشتند. بالاترین احترام انترناسیونالیستی نمایندگان کنگره همچنین نسبت به سه زن مبارز و جان‌باخته کرد - که چند روز پیش‌تر، به دست عامل‌های دولت ترکیه در پاریس به شهادت رسیده بودند - نیز ابراز گردید، و زن کرد هنرمندی ترانه‌ی به یاد آنان خواند. نمایندگان پاره‌ی از حزب‌های دعوت‌شده، از جمله نماینده کردهای ترکیه، سفیر "جبهه آزادی‌بخش فلسطین" در فرانسه، نیز در کنگره سخنرانی کردند.

رفیق "پی‌یر لوران"، دبیر کل ملی حزب کمونیست فرانسه، در گزارش به کنگره، گفت: "رفقای عزیز، تصمیم‌های ما در کنگره به‌طور قطع به حساب خواهند آمد و مؤثر خواهند بود. کارگران و جوانان روی ما حساب خواهند کرد. بیکاری و شغل‌های موقتی و رنج و عذاب توده‌ها فزون از حد است. رسوائی‌ها و فساد نزد سودجویان، و همچنین ثروت‌های به‌هدر رفته نیز فزون از حدند. در برابر این‌ها، امکان‌های فراوانی برای زیستن به شیوه‌هایی

ادامه پیام های شادباش ...

شما برسائیم که، ما نیز به نوبه خود در حال مبارزه با نقش شرم آوری هستیم که دولت ترکیه در جریان اجرای نقشه های کنونی امپریالیسم بر ضد سوریه به عهده گرفته است. بر ایران نیز به منظور خدشه دار کردن حق حاکمیت اش فشار شدیدی وارد آورده می شود. همه مداخله های امپریالیسم، از جمله تحریم های بین المللی، که در واقع اصلاً ربطی به برنامه هسته ای ایران ندارد، ناروا و نپذیرفتنی اند. حزب کمونیست ترکیه پیوسته تلاش کرده است نقشی را که دولت ترکیه در خدمت به امپریالیسم بازی می کند، و سیاست هایی را که این دولت به هدف ارباب ایران و مجبور ساختن ایران به تسلیم شدن در برابر فشارهای امپریالیسم در پیش می گیرد، برای ملت ترکیه افشا کند. همان طور که در موضع گیری شما نیز به روشنی دیده می شود، میان طرد مداخله های امپریالیستی و مخالفت با آنها، و حمایت از مبارزه مردم ایران بر ضد رژیم دیکتاتوری دین سالار، هیچ تناقضی وجود ندارد. مبارزه یی انقلابی، اصیل، و صادقانه، مستلزم آن است که حاکمیت طبقه کارگر و دهقانان تهی دست در آن، فراتر از منافع نیروهای خارجی و بورژوازی داخلی قرار گیرد.

رفقای گرامی،

به حزب توده ایران درود می فرستیم و آرزوی بیشترین موفقیت را برای حزب شما در برگزاری کنگره تاریخی ششم تان داریم. ما اطمینان داریم که کنگره شما سهم چشمگیری در رهایی مردم ایران خواهد داشت.
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد همبستگی انقلابی!

کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان

رفقای گرامی،

از سوی کمیته مرکزی "حزب کمونیست سودان" درودهای انقلابی ما را به شرکت کنندگان ششمین کنگره حزب توده ایران برسانید. ما موفقیت کنگره را در همه بحث ها و بررسی های آن پیرامون شرایط سیاسی پیچیده در ایران آرزومندیم. ما اطمینان داریم که برآیند این کنگره همچون درگذشته، بر شالوده برنامه یی عملی می تواند یکپارچگی تلاش نیروی های طبقه کارگر، نیروهای دمکراتیک و میهن پرست ایران را هماهنگ کند و مبارزه آنها بر ضد رژیم واپس گرا را توان مند سازد. نقش نمونه وار پیکار حزب توده ایران برای دمکراسی، رهایی ملی و اجتماعی الهام بخش خلق های گیتی در افزودن به تلاش های شان در مبارزه برای عدالت اجتماعی، سوسیالیسم، و صلح گردیده است.

ما در تدارک برگزاری ششمین کنگره "حزب کمونیست سودان" هستیم. ما نیز برای تشکیل گسترده ترین جبهه ضد رژیم واپس گرای سودان با چالش های سیاسی و اجتماعی ای همسان روبه روییم که در بسیاری جهت ها مردم هر دو کشور ما با آنها دست به گریبانند، که از جمله از تلاش برای همکاری در زمینه نقطه های مشترک، تحکیم مداخله جویانه واپس گرایان و امپریالیست ها در امور داخلی کشور و دسیسه های رژیم های واپس گرا و تهدیدهای صهیونیسم، می توان نام برد. اجازه دهید بار دگر برای موفقیت آمیز بودن کنگره ششم در جهت دستیابی مردم زحمتکش ایران به راهی به منظور برون رفت از تنگناهای پیش رو و همچنین تحقق یافتن آرمان های مردم زحمتکش ایران خواست صمیمانه خود را اعلام کنیم. تردید نداریم که حزب توده ایران نیرومندتر، یکپارچه، و هم پیمان با جنبش کمونیستی و کارگری جهان بر ضد امپریالیسم و برای دمکراسی، سوسیالیسم، و صلح، نمایان خواهد شد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان

پیام حزب کمونیست پاکستان

رفقای گرامی،

خواهشمندیم درودهای عمیقاً رفیقانه ما را به مناسبت بسیار فرخنده برگزاری ششمین کنگره حزب توده ایران بپذیرید.

مردم دو کشور ما نقطه های مشترک فراوانی در تاریخ، فرهنگ، و زبان دارند. فارسی، ده ها سال زبان رسمی شبه قاره ما بوده است. در پاکستان هنوز ادبیات فارسی را با عشق و علاقه می خوانند. زبان فارسی هنوز زبان مادری هزاران نفر از مردم پاکستان است. به راستی آن قدر نقطه های مشترک در فرهنگ این منطقه وجود دارد که جامعه شناسان آن را فرهنگ "هند و فارسی" تعریف کرده اند.

به غیر از این شباهت ها، مردم پاکستان از جنبه سیاسی نیز شباهت های فراوانی با ملت ایران دارند. سرزمین ایران برای مدتی طولانی دژ محکم امپریالیسم بوده است. مبارزه ملت به لحاظ سیاسی آگاه ایران، امپریالیسم را مجبور به خروج از این سرزمین مقدس کرد. متأسفانه خلأ ایجاد شده پس از کوتاه کردن دست امپریالیسم از ایران، بی درنگ از سوی نیروهای فاشیستی مذهبی پر شد. مردم پاکستان نیز هنوز برای مقابله با نفوذ امپریالیسم بر خاک کشور خود سخت در تلاشند. اما اگر نیروهای چپ و میانه روی های چپ پاکستان از ایفای نقش شایسته و ضرور خود قصور کنند، خطر عینی تصاحب قدرت از سوی نیروهای فاشیستی به طور جدی بالای سر مردم پاکستان چرخ می زند.

حزب توده ایران به خاطر مبارزه خود با رژیم فاشیستی حاکم و بر ضد جنایت های ناشی از تاریک اندیشی های آن شایسته قدرانی است.

حزب کمونیست پاکستان به طور کامل از این مبارزه پشتیبانی می کند، و امیدوار است که در نهایت و در آینده یی نزدیک، مردم ایران موفق شوند نظامی دموکراتیک و مترقی در کشور خود برقرار کنند.

ما همچنین موضع تاریخی حزب توده ایران مبنی بر مردود شمردن و مخالفت قاطع با مداخله نیروهای امپریالیستی و تجاوز آنها به ایران به هر دلیلی، با نظر مساعد ارزیابی می کنیم. این موضع بیانگر تفکر شفاف و بی خدشه رهبری حزب است که بسیار ستودنی است.

تمام جهان و به ویژه منطقه ما در مرکز توجه دسیسه های امپریالیستی و مداخله های خصومت آمیز سیاسی قرار گرفته است. سرانجام بسیاری از مسئله ها به نتیجه نهایی مبارزه جاری در کل این منطقه بستگی دارد.

حزب کمونیست پاکستان اطمینان دارد که، کنگره ششم حزب توده ایران وضعیت داخلی و بین المللی را به دقت مورد مطالعه قرار خواهد داد، و مناسب ترین راهبرد (استراتژی) را برای مردم ایران، کل منطقه به طور خاص، و جهان به طور کلی، تدوین خواهد کرد.

از طرف خود، و به نمایندگی از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان، بار دیگر صمیمانه به حزب توده ایران به مناسبت برگزاری این کنگره بسیار مهم تاریخی، در این برهه از زمان بسیار چالش برانگیز در تاریخ جهان و به ویژه در این منطقه، تبریک می گویم.

زنده باد روابط برادرانه حزب توده ایران و حزب کمونیست پاکستان!

زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی کمونیستی!

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم!

امداد قاضی، دبیر کل حزب کمونیست پاکستان

پیام حزب کمونیست اسرائیل،

رفقای گرامی،

حزب کمونیست اسرائیل، شامل عرب و یهودی، به کنگره ششم حزب شما درود می فرستد. ما در مقام حزبی که همواره پیشگام مبارزه بر ضد اشغال سرزمین های فلسطین از سوی اسرائیل بوده و در راه عدالت اجتماعی، دموکراسی، و سوسیالیسم رزمیده است، با پیکار درخشان شما در راه رهایی ملی، دموکراسی، جدایی دین از حکومت (سکولاریزم) و سوسیالیسم، و بر ضد امپریالیسم و مداخله خارجی در ایران، نزدیکی ویژه یی احساس می کنیم، و آن را می ستاییم. ما همیشه پیکار شجاعانه شما را با رژیم شاه درنده خوی دست نشانده آمریکا، و مخالفت بی وقفه شما را با دولت اسلامی کنونی تمجید کرده ایم.

امیدواریم که هر چه زودتر به هدف های مشترک مان برسیم و سوسیالیسم، عدالت، و دموکراسی، حاکم شود.

همین جا همدلی و درودهای انقلابی صمیمانه خود را تقدیم شما می کنیم.

محمد نفاع

دبیر کل حزب کمونیست اسرائیل

۵ فوریه ۲۰۱۳ | ۱۷ بهمن ماه ۱۳۹۱ |

پیام حزب کمونیست اردن به رفقای عزیز حزب توده ایران، با دروهای رفیقانه

در شرایطی که شما برای کنگره ششم حزب خود آماده می شوید، ما نیز خوشوقتییم از اینکه در این برهه در کنار تان خواهیم بود. رفقا، کنگره بزرگ شما در شرایط مخفیانه و سرکوب خشن و بسیار سختی که نظام حاکم و ایادی آن بر حزب شما تحمیل کرده اند برگزار می گردد، نظامی که تمامی فداکاری های حزب بزرگ شما در راه مردم ایران را برای آینده بی دموکراتیک با هدف دستیابی به ترقی، صلح، و سوسیالیسم، نادیده گرفته است. ما در "حزب کمونیست اردن"، مطمئنیم که کنگره ششم حزب نامدارتان، تبلور آرمان ها و آرزوهای شما و ملت برادر در ایران خواهد بود. یک باردیگر حزب کمونیست ما، گرم ترین درود ها و آرزوها را برای موفقیت کنگره ششم شما، تقدیم می کند. با امید تحقق آرمان ها و پیش برد هدف های تان به خاطر مردم ایران و در راه ترقی، آزادی، و سوسیالیسم.

دبیر کل حزب کمونیست اردن دکتر منیر حمارنه

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه رفقای گرامی،

حزب کمونیست ترکیه دروهای رفیقانه خود را به مناسبت برگزاری کنگره ششم حزب توده ایران تقدیم شما می کند. موفقیت کنگره شما و رشد و ترقی حزب توده، دستاوردی برای همه مردم ایران، به ویژه طبقه کارگر و دهقانان تهری دست خواهد بود.

ما به مبارزه قهرمانانه حزب توده که از زمان بنیادگذاری اش بی باکانه و پیگیرانه در راه صلح و سوسیالیسم و برضد دشمنان مردم رزمیده است، درود می فرستیم. ما از فداکاری های شمار زیادی از رفقای شجاع توده ای که در هر دو رژیم شاه و رژیم ارتجاعی کنونی شکنجه و اعدام شدند، به خوبی آگاهیم. ما در مقام حزب کمونیست ملت همسایه شما، یاد این رفقای انقلابی را با احترام و ستایش گرامی می داریم. ما از سیر رویدادها بر این امر آگاه شده ایم که، حزب توده هم اکنون نیز در شرایطی بسیار دشوار با تمام توان به پیشبرد مبارزه خود و پرافراشته نگاه داشتن پرچم رزم ادامه می دهد. ما یلیم از این فرصت استفاده کنیم و بگوییم که ما مبارزه حزب شما و مردم ایران را با توجه و علاقه فراوان دنبال می کنیم. ما خود را به عمق بخشیدن به روابط برادرانه خود با حزب توده متعهد می دانیم. با توجه به نقشه های منطقه ای امپریالیسم از جمله در دو کشور ایران و ترکیه، ما معتقدیم که، داشتن پیوندهای نزدیک تر و تحکیم همبستگی میان دو حزب ما، از اهمیت زیادی برخوردار است.

رفقای گرامی،

ما با این ارزیابی شما موافقیم که: "از زمان پایان جنگ جهانی اول، این منطقه هرگز با چنین چالش های حادی روبه رو نبوده است." خاورمیانه با تهدید جنگ های تازه، برتری طلبی و سرکردگی امپریالیستی، و خدشه دار شدن استقلال ملت ها روبه روست. در سوریه شاهد آن هستیم که امپریالیست ها چگونه بی وقفه و از هر راه ممکن تلاش می کنند دولت سوریه را سرنگون سازند و آن را با حکومتی خدمت گذار امپریالیسم جایگزین کنند. ما از سیاست های جنگ طلبانه دولت ترکیه، در مقام متحد نزدیک امپریالیسم آمریکا در این منطقه، به خوبی آگاهیم. ما یلیم به اطلاع

پیام های احزاب کارگری و کمونیستی جهان به ششمین کنگره حزب توده ایران

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب مردم فلسطین



رفقای گرامی،

از سوی کمیته مرکزی و اعضای "حزب مردم فلسطین"، ما یلیم بهترین دروهای مان را به حزب توده ایران و کامروایی ششمین کنگره آن تقدیم کنیم. کنگره شما در زمانی بسیار سرنوشت ساز برگزار می شود، زمانی که بحران عمومی اقتصاد جهانی، خطر جنگ- به ویژه در خاورمیانه و دیگر منطقه ها- در برابر کمونیست ها، و نیروهای چپ و پیش رو در جهان چالش هایی نو برانگیخته است. شرایط موجود در ایران نیز بسیار نگران کننده است و روزبه روز نقش حزب شما در پیکار با نظام دین مدار و در راه دمکراسی، پیشرفت، و عدالت اجتماعی، برجسته تر می شود.

ما یقین داریم که گفتمان این چالش ها را، با احساس مسئولیتی شایسته، در کنگره درمیان خواهید گذاشت. ما همچنین امیدواریم که کنگره به مسئله فلسطین، همراه با تأکید بر همبستگی تان با پیکار مردم فلسطین برای آزادی و تشکیل دولتی مستقل با مرزهای پیش از اشغال در سال ۱۹۶۷ و به پایتختی اورشلیم شرقی و نیز ره گشایی در مسئله آوارگان بنابر "قطعنامه ۱۹۴" سازمان ملل، توجهی ویژه کند.

بیست سالی است که گفت و گو میان اسرائیل و فلسطین دستاوردی نداشته است. اسرائیل، با ترفند، و به منظور تغییر دادن چهره واقعیت موجود، تحمیل شرایط دلخواه خود در مسیر گسترش شهرک سازی برای شهروندان اسرائیلی، کشیدن دیوار آپارتاید، ویران کردن خانه های فلسطینیان، به ویژه در اورشلیم شرقی و دره اردن، و نگاه داشتن هزاران فلسطینی در زندان های اسرائیل، از این گفت و گوها پوششی برای خود ساخته است. بنابراین، با وجود چنین عامل هایی، دستیابی به هرگونه راه کاری بدون دورنما خواهد بود. اسرائیل با پشتیبانی کامل ایالات متحده و متحدان شان، هدفمندانه می کوشد تا با به درازا کشاندن اشغال مناطق، این امر را به واقعیتی همیشگی فرارواند. این عامل ها همگی رهبری فلسطین را ناگزیر ساخت که ره یافت مسئله فلسطین را به سازمان ملل واگذار کند، و به رسمیت شناختن دولت فلسطین در مقام کشوری غیرعضو در سازمان ملل و موظف ساختن اسرائیل به پذیرش قطعنامه ها و قوانین بین المللی از سوی جامعه جهانی را خواستار شده است. در این زمینه ما از نقش شما در پشتیبانی از کوشش دولت فلسطین برای عضویت در مجمع عمومی سازمان ملل سیاسی سازی می کنیم.

رفقای گرامی،

امیدواریم که در آینده پیوندهای رفیقانه میان دو حزب و خلق های مان را تقویت کنیم. با آرزوی موفقیت های بی شمار.

کمیته مرکزی حزب مردم فلسطین

ادامه در صفحه ۱۱

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

۱. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس های پستی:
۲. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 918
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

8 April 2013

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.
بانک: Berliner Sparkasse
کد بانک: 100 500 00
شماره حساب: 790020580
IBAN: DE35 1005 0000
0790 0205 80
BIC: BELADEBEXXX